نسیم جنوب
nasimjonoub.com
سال پانزدهم - شماره ۶۸۴ - یک شنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۱ - ۸ صفحه - ۵۰۰ تومان

مسئولان فارسی و جریحه دار کردن علایق و پیوندهای تاریخی مردم بوشهر

صفحه۳



پالیزدان سرمربی جدید شاهین بوشهر:

بین نابودی شاهین و بقا در دسته اول، دومی را انتخاب کردیم

اگر ورود نمی کردیم انحلال شاهین قطعی بود

مصاحبه با اکبر ناهاری دبیر با سابقه آموزش و پرورش بوشهر:

شیوه های آموزشی ما غیر کاربردی و هیچ مهارتی برای زندگی به دانش آموزان نمی آموزند

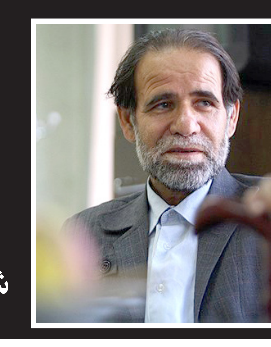


معلمان به دانش آموزان درس زندگی و تمرین اعتراض یاد دهند تا بتوانند از حق خود و دیگران دفاع کنند



بیگانگی دوربین های "رسانه ملی" با سیل دشتستان

مرا با خویش تنها می گذاری



آخرین دیدار با خلیل عمرانی، شاعر دیری

درگذشت خلیل عمرانی، شاعر انقلاب

تذکر نماینده کنگان به احمدی نژاد در ارتباط با حذف فوق‌العاده حقوق کارمندان استان بوشهر

نماینده دیر، کنگان و جم در مجلس شورای اسلامی از تذکر خود به رئیس جمهور در ارتباط با حذف دریافتی آب و هوا از حقوق کارمندان خبر داد. حجت‌الاسلام موسی احمدی در ارتباط با تذکر خود به رئیس جمهور در صحن علنی مجلس اظهار داشت: برداشتن مورد بدی آب و هوا از حقوق کارمندان، تامین و نگهداشت نیروی انسانی را در استان بوشهر و مناطق گرمسیر با مشکل مواجه می‌کند و موجبات مهاجرت نیروی انسانی متخصص از این مناطق را فراهم می آورد.وی اضافه کرد: استان بوشهر به لحاظ موقعیت جغرافیایی در منطقه بسیار گرم قرار دارد و در تمامی شهرستان‌های استان قریب به هشت ماه از سال وضعیت طاقت فرسا حاکم است مخصوصا در شش ماه اول سال درجه حرارت به بالای ۵۰ درجه می‌رسد.

وی در ادامه بیان داشت: در کنار شرایط رطوبت نفس‌گیر، سلامتی مردم در معرض اشعه ماوراء بنفش به شدت تحت تاثیر عوارض منفی قرار می‌گیرد. حجت‌الاسلام احمدی تصریح کرد: حذف تصویب نامه‌های قبلی توسعه مدیریت و سرمایه که ضرایب فوق العاده را ۲۵ و ۲۰ تعیین کرده بود و تعیین درصد ۱۰ و هشت به جای آن، مبلغ قابل توجهی را از حقوق کارمندان کسر کرده است.

وی اضافه کرد: این موضوع خود تامین و نگهداشت نیروی انسانی متخصص را در این استان با مشکل مواجه می‌کند و موجبات مهاجرت نیروهای کارشناسی را از این استان گرمسیر فراهم می‌آورد. احمدی در این تذکر از رئیس جمهور خواست تا ضمن احیای بخشنامه شماره ۹۱۲۰۰/۱۷۷۷مورخه ۹۱/۱/۷توسعه مدیریت و سرمایه، فوق العاده بدی آب و هوا را دوباره برقرار کند و تصویب نامه شماره ۶۵۶۴۷/ت۴۸۰۹۳ مورخ ۹۱/۴/۷ هیئت وزیران را که منجر به این کسری شده بود لغو کند./ منبع: مهر

آغاز ساماندهی تقاطع ولیعصر بوشهر

ساماندهی تقاطع ولیعصر بوشهر آغاز شد. مدیر اداره حمل و نقل و ترافیک شهرداری بندر بوشهر با اعلام این مطلب افزود: این ساماندهی در دو فاز اجرایی خواهد شد که فاز اول اصلاح هندسی خیابان نواب صفوی و خیابان ولیعصر و فاز دوم تجهیز تقاطع فوق به سیستم چراغ های راهنمایی (LED) و نصب دستگاه کنترلر هوشمند می باشد . اکبر توسلی افزود: با توجه به حجم بالای تردد در این تقاطع و جلوگیری از گره های ترافیکی، به منظور کاهش تصادفات مکرر، این طرح توسط شهرداری اجرایی می شود. وی اظهار داشت: اجرای این پروژه با هماهنگی و همکاری پلیس راهور و تصویب در شورای فنی ترافیک استان و شهرستان صورت گرفته است.

هدر رفت چند میلیاردی در بزرگراه برازجان- گناو

رئیس شورای اسلامی آبپخش گفت: سیل اخیر موجب وارد آمدن خسارت چند میلیارد تومانی به بزرگراه برازجان- گناوه شد که در صورت دوراندیشی و تدبیر صحیح می‌شد از آن جلوگیری کرد. مصطفی رضایی اظهار داشت: سیل اخیر خسارات بسیار زیادی به بزرگراه در حال احداث برازجان به گناوه وارد آورد که در صورت پیش‌بینی لازم و دوراندیشی می‌شد از آن جلوگیری کرد. وی افزود: مسیر این بزرگراه با وجود تذکرات کارشناسان و صاحب‌نظران در محور باتلاقی و در چند کیلومتری آبپخش احداث شد و اداره کل راه و شهرسازی به نظرات کارشناسان هیچ توجهی نکرد. رئیس شورای اسلامی آبپخش خاطرنشان کرد: احداث بزرگراه در این مسیر باتلاقی مستلزم صرف هزینه‌های بسیار زیاد بود و هشدارهای لازم برای وقوع سیل و وارد شدن خسارت به مسئولان اعلام شده بود. رضایی تصریح کرد: هم‌اکنون بخش وسیعی از بزرگراه که با صرف هزینه چند میلیارد تومانی احداث شده بود در اثر سیل تخریب شده و مسئولان و متولیان احداث بزرگراه باید در مورد هدر رفت بیت‌المال پاسخگو باشند.

وی اضافه کرد: انتظار می‌رود مدیران راه و شهرسازی استان با مشورت با کارشناسان و افراد صاحب‌نظر نسبت به احداث ادامه مسیر بزرگراه تصمیمی مناسب اتخاذ کنند تا مانع از هدررفت مجدد بیت‌المال شوند.

این مسئول گفت: بزرگراه اهرم به دیلم از بزرگراه‌های مهم و ارزشمند است که با تلاش دولت دهم در دست اجراست و امیدوار هستیم با تلاش بیشتر مسئولان شاهد تکمیل به موقع این طرح باشیم.

رضایی با اشاره به اقدامات انجام شده توسط شهرداری آبپخش برای جبران خسارات سیل اخیر اذعان داشت: شهرداری با تمام ظرفیت و پتانسیل برای بهبود وضعیت خیابان‌ها و معابر آسیب‌دیده اقدام کرد و تا حدودی شاهد جبران خسارات بودیم که البته برای ترمیم کامل مناطق آسیب‌دیده نیاز به تلاش بیشتر و تخصیص اعتبارات است./ منبع:فارس

تعویق ۵ ماهه حقوق کارمندان و کارگران شهرداری کاکی

رئیس شورای اسلامی شهر کاکی با اشاره به این موضوع که نمی توان نسبت به وضعیت شهرداری‌ها در شهرهای کوچک بی‌تفاوت بود، توضیح داد: با گذشت ۹ ماه از سال هنوز بودجه و یا کمک مناسبی به شهرداری کاکی اختصاص داده نشده است. فاطمی با بیان اینکه با مشکلات موجود اکثر شهرداری‌های استان قادر به پرداخت حقوق پرسنل خود نیستند، تصریح کرد: شهرداری کاکی نیز از این قضیه مستثنی نبوده و حقوق کارکنان به تعویق افتاده که مشکلات زیادی را برای آنان و شهرداری بوجود آورده است. رئیس شورای اسلامی شهر کاکی ادامه داد: در حال حاضر نزدیک به ۵ ماه حقوق کارمندان و کارگران شهرداری کاکی پرداخت نشده است که با توجه به تورم موجود، مشکلات معیشتی زیادی برای کارکنان بوجود آورده است که شهرداری بدلیل نبود درآمد کافی قادر به پرداخت مطالبات نیست، لذا از استاندار محترم انتظار رسیدگی به این موضوع را داریم.

رئیس شورای شهر کاکی در پایان افزود: از نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی تقاضا داریم تا با توجه به عدم استقبال مردم از بیمه کارگران ساختمانی و افزایش ساخت و ساز غیر مجاز و کاهش درآمد شهرداریها بار دیگر موضوع را در مجلس بررسی و جهت رفع مشکلات مردم تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند./منبع: بنا

وداع مردم دلوار با رئیس شورای و بخشدار دلوار



پیکر سید عیسی جعفری، رئیس شورای شهر دلوار که با تلاشهایش شهر دلوار را تکان داده بود همراه با بخشدار ریاض انصاری، در غیاب حسنوند استاندار و با حضور مردم و جمعی از مسئولین از جمله معاونین استانداری و امام جمعه دلوار تشییع شد.

در هفته گذشته ریاض انصاری بخشدار و سید عیسی جعفری رییس شورای شهر دلوار در جاده اهرم- بوشهر دچار حادثه شدند. آنها با پژو ۴۰۵ در حال حرکت به سمت استانداری بوشهر بودند که در ۲ کیلومتری عالیشهر و نزدیک روستای لیلک لاستیک خودرو ترکید. به دنبال این اتفاق، خودرو به سمندی که از مقابل می آمد برخورد کرده و منجر به مرگ بخشدار و رییس شورای شهر شد.

به گزارش دلوار نیوز، صبح روز پنجشنبه مورخه ۱۶ آذر ماه پاییز ۹۱ روز وداع مردم شریف استان بوشهر و خطه دلیر پرور دلوار با خادمانشان بود. روز گریه و اشک جدایی از دو تن از خادمان که علاوه بر کارهای اجرایی سینه چاک سید و سالار شهیدان بودند. شهر دلوار به طور کامل تعطیل بود، نماز میت توسط حجت الاسلام سید عبدالله حسینی اقامه گردید. پیکر مرحوم انصاری پس از تشییع در دلوار به زادگاهش در آبپخش انتقال داده شد. تاکنون پیام های تسلیت حسنوند استاندار، حجت الاسلام پورفاطمی نماینده دشتی و تنگستان و افراشته معاون اجرایی مجلس شورای اسلامی ارسال شده است.

شناسایی رسمی ۳۷۸ ایدزی در بوشهر

روابط جنسی نامطمئن جای سرنگ را گرفت

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر آمار رسمی بیماران مبتلا به ایدز در استان را ۳۷۸ نفر اعلام کرد. عبدالمحمد خواجه ئیان در آغاز هفته اطلاع رسانی بیماری ایدز گفت: از این میزان بیمار شناسایی شده، ۳۴۲ مرد و ۳۵ زن بوده است. به گفته وی از این تعداد ۱۴ مورد امسال شناسایی شده اند.

وضعیت بیماران ایدزی استان

این مقام بهداشتی که با ایرنا گفتگو کرده، افزود: ۱۳۷ نفر از این افراد بیماریشان وارد مرحله ایدز شده و ۹۸ نفر از آنان نیز فوت کرده اند. خواجه ئیان یادآورشد: نخستین مورد بیماری ایدز در سال ۷۲ در این استان شناسایی شد.

دلایل ابتلا

معاون دانشگاه علوم پزشکی بوشهر اضافه کرد: علت ۸۵ درصد این بیماران در استان اعتیاد و استفاده از وسایل ترزیقی آلوده است. خواجه بیان گفت: میزان ۷/۸ درصد نیز از طریق رابطه جنسی نامطمئن، هشت دهم درصد نیز از طریق مادر بیمار به کودک منتقل شده و مابقی نیز علت نامشخص داشته است.

بیشترین گروه سنی ایدزی های بوشهر

وی افزود: شایع ترین گروه سنی مبتلایان به این بیماری در استان بوشهر بین ۲۵ تا ۳۴ سال و سپس ۳۵ تا ۴۴ سال است که نیروی جوان جامعه محسوب می شوند و باید برای پیشگیری از گسترش آن که ساده و آسان است اطلاعات افراد را بالا برد.

شیوه شناسایی بیماران ایدزی

وی گفت: با توجه به این که به شکل معمول سلامت افراد جامعه به این بیماری بررسی نمی شود، از طریق پایگاه دیده وری، تصادفی و یا مراجعه خود فرد این موضوع بررسی می شود، از این رو آمار مبتلایان به ایدز چندین برابر شمار شناسایی شده است. اگر فردی که رفتار پرخطری را مرتکب شده ۲۴ تا ۴۸ ساعت به مراکز درمانی مراجعه کند تحت درمان پیشگیرانه ترکیبی به مدت ۴۰ روز قرار می گیرد و تا ۹۰ درصد احتمال دارد که به بیماری مبتلا نشود.

روابط نامطمئن جنسی جای سرنگ را گرفته است

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با بیان اینکه موج سوم افزایش مبتلایان به بیماری ایدز براثر رابطه جنسی نامطمئن در جامعه رو به گسترش و زنگ خطر را به صدا درآورده است، افزود: نخستین موج بیماری ایدز از طریق انتقال خون و فراورده های خونی آلوده خود را در جامعه نشان داد، اما با کنترل هایی که انجام شد هم اینک انتقال ایدز از این طریق در کشور به صفر رسیده است. مرحله دوم گسترش بیماری ایدز از طریق اعتیاد تزریقی وسایل مشترک و سرنگ آلوده بود که با اقدامات پیشگیرانه این شیوه نیز تحت کنترل است. بررسی ها نشان داده است موج سوم بیماری ایدز با توجه به جمعیت جوان و پدیده روان گردان ها، مردم به صورت بالقوه ازاین شیوه در معرض خطر جدی هستند. خواجه بیان ادامه داد: مقایسه آمار مبتلایان به ایدز از سال ۶۵ تا پارسال در سطح کشور نیز نشان می دهد انتقال از راه رابطه جنسی نامطمئن دو برابر و از طریق مادر آلوده به کودک نیز چهار برابر شده که این زنگ خطری برای وضعیت آینده آلودگی به این ویروس در کشور است.

ایدز درمان قطعی ندارد

خواجه بیان اضافه کرد: با وجود گذشت سه دهه از شناسایی بیماری ایدز و تولید برخی داورها و واکسنی که می تواند سیستم ایمنی بدن را تقویت کند اما هنوز درمان قطعی برای آن مشخص نشده است. این درحالی است که راه پیشگیری و جلوگیری از ابتلای به بیماری ایدز آسان است و به جز خون و یا فراورده های آلوده، تزریق با وسایل آلوده، مادر آلوده به کودک و رابطه جنسی محافظت نشده از هیچ راه دیگری به فرد مبتلا نمی شود. بیماری ایدز از طریق تماس عادی، استفاده از لیوان و ظرف غذا به صورت مشترک، دست دادن، روبوسی و حضور در جامعه منتقل نمی شود و از زمان ابتلا به آلودگی تا نمایان شدن عوارض آن نیز ۱۰ تا ۱۵ سال زمان بر است که در این مدت هیچ علایم از نظر ظاهری در فرد وجود ندارد. عوارض اجتماعی بیماری ایدز برای مبتلایان بیشتر از بیماری است، از جمله قضاوت های نا صحیح در مورد نوع ابتلای این افراد که باعث می شود در برخی اوقات افراد بیماری خود را کتمان کنند که این امر درمان آن را به تاخیر می اندازد.

اقدام عجیب معاون وزیر کشاورزی در فرار از کشاورزان بردخونی

معاون امور اقتصادی و برنامه ریزی وزارت جهاد کشاورزی به همراه رئیس سازمان کشاورزی استان بوشهر در بازدید کوتاه خود از مزارع بخش بردخون ضمن عدم پاسخگویی به خبرنگاران از دیدار با کشاورزان نیز امتناع ورزیدند.

به گزارش وبلاگ اطلاع رسانی بردخون، محمدعلی نیکبخت معاون وزیر جهاد کشاورزی که به همراه تعدادی از کارشناسان این وزارتخانه به بردخون سفر کرده بود؛ به بهانه ی بیماری از پاسخگویی به سئوالات نامجو زحمتکش تنها خبرنگار فعّال بخش بردخون خودداری نمود.

بنا بر این گزارش منفرد رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان نیز ضمن عدم پاسخگویی به سئوالات خبرنگار بردخونی وی را جهت دریافت اطلاعات و پاسخ سئوالات خود به روابط عمومی سازمان معرفی نمود!

وبلاگ خبری بردخون در ادامه گزارش خود آورده است: مسئولین وزارت و سازمان جهاد کشاورزی بردخون قبل از عزیمت به این بخش با کشاورزان و خبرنگاران بخش کاکی دیدار و به سئوالات آنان پاسخ داده اند.

گفتنی است این بازدید از مزارع روستاهای آبکش و شهنیا از توابع بخش بردخون صورت گرفته و به گفته وبلاگ خبری این بخش هیچ وعده و خبر خوبی نیز برای کشاورزان به همراه نداشته است، ضمن اینکه مسئولین مربوطه بدون نشست با کشاورزان و شنیدن سخنان و مشکلات آنان محل را ترک نمودند.

وبلاگ اطلاع رسانی بخش بردخون در پایان گزارش خود، این اقدام را بی احترامی به مردم بعنوان صاحبان اصلی این انقلاب دانست که چشم انتظار توجه و همراهی مسئولان در حل مشکلات خود هستند.

مراجعه بیماران بوشهری برای درمان به بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر

رییس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: با توجه به خالی شدن بیمارستان فاطمه زهرا (س) وانتقال بخش های درمانی آن به بیمارستان شهدای خلیج فارس، بیماران برای پیگیری امور درمانی خود به این بیمارستان مراجعه کنند.

دکتر غلامرضا حیدری درگفت وگو بادلوار افزود: بیمارستان شهدای خلیج فارس آماده پذیرش بیماران بخش های اطفال، قلب، زنان و زایمان، جراحی، ارتوپدی، داخلی و اورژانسی است. وی یادآورشد: این بیمارستان درهفت طبقه با ۲۸۰ تخت بستری، در زمینی به مساحت ۶۷ هزار مترمربع و زیربنای بیش از ۶۴ هزار مترمربع با اعتبار ۵۴۰ میلیارد ریال در قالب مصوبات سفر نخست استانی هیات دولت ساخته شده است. رییس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر اضافه کرد: برای خرید و نصب تجهیزات بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر ۱۸۰ میلیارد ریال هزینه شده است.

حیدری ادامه داد: عملیات اجرایی این پروژه از نیمه دوم سال ۱۳۸۵ آغاز شد و در نیمه دوم سال ۱۳۹۱ به پایان رسید و در ۲۶ آبان امسال نیز به صورت رسمی با حضور معاون اول رییس جمهوری و وزیران بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و راه و شهرسازی افتتاح شد.

وی گفت: اورژانس مرکز آموزشی درمانی شهدای خلیج فارس نیز آماده پذیرش بیماران است.

برگزاری مراسم تودیع و معارفه هیئت مدیره دوره پنجم و ششم سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر:

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر، خدمات ارزنده ای با رویکرد علمی و تخصصی بر اساس مباحث مختلف مقررات ملی ساختمان در بخش خصوصی و دولتی، ارائه نموده است

مراسم تودیع هیئت مدیره دوره پنجم و معارفه هیئت مدیره دوره ششم سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر با حضور دکتر غلامرضا هوایی مدیرکل دفتر امور مقررات ملی ساختمان وزارت راه و شهرسازی، مهندس رستمی معاون عمرانی استانداری، مهندس علیرضا صفایی قائم مقام وزیر و مدیر کل راه و شهرسازی بوشهر، جمیری نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی و مهندس سنائی دشتی رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر و جمعی دیگر مسئولین استانی در سالن اجتماعات اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر، مهندس علیرضا صفایی بوشهری، قائم مقام وزیر و مدیرکل راه و شهرسازی استان بوشهر در این مراسم اظهار داشت: سازمان نظام مهندسی ساختمان در سال ۱۳۷۴ توسط مجلس شورای اسلامی به وزارت راه و شهرسازی یا مسکن سابق و اداره کل راه شهر سازی فعلی واگذار شد و در سال ۸۳، ماده ۳۳ نظام مهندسی به این وزارتخانه الحاق گردید.

وی افزود: سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر، در زمینه های مختلف



خدمات ارزنده ای را با رویکرد علمی تر و تخصصی تر بر اساس مباحث مختلف مقررات ملی ساختمان در بخش خصوصی و دولتی ارائه نموده است.

قائم مقام وزیر وجود دکتر هوایی را در مجموعه عمومی سازمان نظام مهندسی و مقررات ملی که از نخبگان استان بوشهر می باشند را غنیمت دانست و افزود: نگاه مهندسی یک نگاه علمی است و نظارت بر اعمال مهندسی نظارت خداوند تبارک تعالی است و مهندس اصلی خداوند است که نظام مهندسی را با همه جغرافیا و اقلیمی که دارد به وجود آورده است.

مهندس صفایی اظهار امیدواری نمود که اعضای هیئت مدیره دوره ششم سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر بتواند خدماتی را با رویکرد علمی، مهندسی و تخصصی تر به مردم استان ارائه نمایند.

وی ضمن تشکر از خدمات ارزنده ی مهندسینی که در دوره قبل عضو هیئت مدیره بوده اند، گفت: موفقیت، سلامتی و تندرسی مدیریت کسانی که جدیدا به عنوان اعضاء هیئت مدیره و رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر انتخاب می شوند حائز اهمیت است.

وی با اشاره به شعار "ساخت و ساز استاندارد هیچ وقت مشکل ندارد"، ساخت و ساز غیر استاندارد را معضل دانسته و گفت: زلزله ترسناک نیست، خدمات غیر استاندارد ترسناک است.

سپس مهندس علیرضا سنائی دشتی، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر ضمن عرض تسلیت به مناسبت ایام سوگواری امام حسین (ع) و خوش آمد گویی به مدعوین علی الخصوص دکتر هوایی و مهندس رستمی معاونت عمرانی استانداری و تشکر از مهندس صفایی که میزبانی این جلسه را عهده دار بوده اند



عملکرد سازمان را اینگونه عنوان نمود:

در سال ۷۶ که سازمان نظام مهندسی در استان بوشهر بنیان نهاده شد، حدود ۴۵ نفر عضو داشت که در این مدت کوتاه و در اوایل دوره پنجم تعداد مهندسین به ۱۵۲۳ نفر افزیش پیدا کرد. و هم اکنون نسبت به اوایل دوره پنجم و در اواخر این دوره، ۳۱۲۲ نفر (۲برابر مقداری که در سال ۸۸ داشتیم) به عضویت این نهاد درآمده اند.

وی افزود: این نشان می دهد تعداد مهندسین عضو این سازمان خوشبختانه رو به افزایش است که این امر بیانگر این است که سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر می تواند پتانسیل خوبی برای توسعه استان باشد.

مهندس سنائی ادامه داد: یکی از محورهای مهم سازمان، ارائه سرویس به دفاتر نمایندگی در شهرستانهای استان بوشهر است.

وی در این زمینه اظهار داشت: در هیئت مدیره دوره چهارم و پنجم سیستم های نظام مهندسی را مکانیزه کردیم و تمامی خدماتی را که به مهندسین و مردم ارائه نموده ایم، به طور اتوماسیون عملیاتی کردیم و این سیستم را به دفاتر نمایندگی نیز اشاعه دادیم.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر افزود: هم اینک در دفاتر نمایندگی خصوصا شهرهای برازجان، گناوه و عالی شهر و همچنین بقیه شهرها، اتصالات لازم را انجام دادیم و برنامه نرم افزاری را نصب و قابل استفاده نمودیم.

وی یکی از مزایای این طرح را، کنترل بر ارائه خدمات دفاتر دانست و گفت: ارائه



خدمات بهتر به مردم دراولویت اول در زمینه ارائه خدمات توسط مراکز NGO خصوصا این سازمان قرار دارد.

وی ادامه داد: در دوره گذشته هیئت مدیره، نظام نامه هایی را تشکیل دادیم و کمیته های مختلف را تعریف کردیم.

مهندس سنائی مساله نظارت را پاشنه نظام مهندسی دانست و اظهار داشت: با توجه



به حساسیت امر نظارت، کیمته نظارت را در این سازمان فعال کردیم.

وی افزود: با طرح مشکلات توسط کمیته نظارت عالیه سازمان، مانع سهل انگاری در تخلفات و مسائل دیگر شده ایم.

مهندس سنائی یادآور شد: جامعه از سازمان نظام مهندسی ساختمان انتظار دارد. در این زمینه می توان به این امر اشاره نمود که: فعال ترین کمیته آموزش در سطح کشور را ما داریم.

وی فعالیت های کمیته انتشارات سازمان را چاپ ۲۶ خبرنامه، چندین فصلنامه، چندین ویژه نامه از جمله ویژه نامه های مسکن مهر، ویژه نامه المپیاد ورزشی، ویژه نامه انتخابات و بروشورهایی از قبیل بروشور گاز، بروشور هفته بحران و



چاپ کتاب "بانک اطلاعات شاغلین صنعت ساختمان استان بوشهر" با شناسایی نیروهای ماهر استان و همچنین کتابی تحت عنوان "مروری بر ایرادات رایج در ساختمان ها" عنوان نموده و افزود: سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر یکی از ۱۳ استانی بود که در نمایشگاه مطبوعات سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور شرکت نمود.

مهندس علیرضا سنائی دشتی در زمینه کنترل گاز استان اظهار داشت: ما در زمینه کنترل گاز، استان جوانی هستیم که از سال ۸۵ شروع به کار کردیم و توانسته ایم ۳۰۴۳۶ پرونده گاز استان در این ۳ سال تشکیل دهیم.

وی با اشاره به اهداف سازمان در زمینه ژئوتکنیک عنوان نمود: کمیته ژئوتکنیک را عملیاتی نمودیم که می توان به جرأت گفت در کشور منحصر به فرد است.

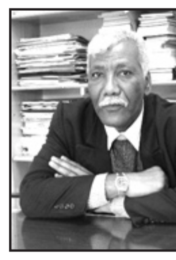
رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر در پایان ابراز امیدواری نمود که این سازمان بتواند در آینده نیز پیشرفت رو به رشد خود را حفظ نماید. سپس مهندس رستمی، جمیری و دکتر هوایی نیز هر یک سخنانی را ایراد نمودند.

در پایان این مراسم از اعضای هیئت مدیره دوره ی پنجم تقدیر به عمل آمد و احکام منتخبین هیئت مدیره دوره ششم نیز به آنان اعطاء گردید.



نسیم جنوب
مقاله
شماره ۶۸۴ - یک شنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

مسئولان فارسی و جریحه دار کردن علایق و پیوندهای تاریخی مردم بوشهر



خورشید فقیه

میدانیم که بوشهر، پس از نزول آن هیبت و هیمنه ی دو قرن پیش خود که مهمترین بندر تجاری و حتا سیاسی ایران به حساب می آمد و فرمانروایانش عنوان "دریابیگی کل بنادر و جزایر ایرانی خلیج فارس" را داشتند و بطور مستقل و مستقیما با پایتخت ایران در تماس بودند و دستور میگرفتند و پذیرای چندین کنسولگری و نمایندگی بزرگترین کشورهای عالم بود، به دلایلی که در این نوشتار فرصت پرداختن به آن ها نمی باشد، به تابعیت استان فارس در آمد و روزگارش به آن جا کشید که اکنون و پس از نزدیک به ۴۵ سال کار و کوشش مستقل و مستمر و جانفرسای اهالی آن، باز هم جان نمیگیرد و با پسوند ناخوشایند "محرومیت" ، به حیات خود ادامه میدهد! بقول یکی از همشهریان مرحوم و بذله گوی بوشهری ام: " در آن سالها سهم ناچیز بوشهر از کل اعتبارات پولی اختصاص یافته به استان فارس، همیشه در پشت پیچ و خم کوه و کتل های بین راه متوقف میگردید و بعضا تا به کازرون هم نمیرسید!! " . شیراز بعنوان مرکز استان و ایالت فارس، تنها حسنی که برای بوشهری ها داشت – البته آنهم از نوع پولدارشان – هوای مطبوع تابستانی اش بود و پذیرایی اندکی از سیل بیماران بوشهری که بعلت نبود مراکز دوا و درمان در شهر و منطقه خودشان، ناچار از مسافرت به آن شهر و چند روزی توقف در آنجا بودند. البته از دایره انصاف هم دور نمیشوم که حداقل در محدوده آموزش و پرورش و قضایای هنری و فرهنگی، بوده اند انگشت شمار دبیران و آموزگارانی از استان فارس که نقش برجسته و بسیار تعیین کننده ای در شکوفایی فرهنگ و هنر این دیار داشته اند و هر کدام حق بزرگی به گردن بوشهری ها دارند.

به هر حال، این ها نهایت امتیاز الصاق ما به استان فارس بود، تازه آنهم برای شهربندر مهمی بنام بوشهر که مثلا مرکز یکی از مناطق مهم استان فارس به حساب می آمد، حال تو خود شرح مفصلی بخوان از نقاطی نظیر برازجان، گناوه، بندر ریگ، بندر دیلم، بندر دیر، بندر کنگان، و خورموج و اهرم که بخش ها و روستاهای پرت و فراموش شده ای از این منطقه بودند!!

پس از گذشت ده ها سال از این وابستگی اسفبار، بنا به ملاحظات سیاسی و موقعیت های استراتژیکی بوشهر و توابع، بالاخره آن را از استان فارس منفک نموده و با ایجاد پایگاه های عظیم در شهر بوشهر، تبدیل به استان کردند و تنها با دو شهرستان بوشهر و برازجان ،استانی بنام بوشهر را به جمع استان های چندگانه ایران اضافه نمودند!!

میدانید و میدانیم که این تغییرات رسمی و اسمی سیاسی و جغرافیایی، نه تنها نفعی برای مردم این منطقه و استان نداشت بلکه تا اهالی



مرکز استان چشم باز کردند، خود را محصور و زندانی در میان دیوارها و فنس هائی یافتند که هر روز نفسشان را تنگتر می کرد و آنان را درگیر یک سری مصائب و مشکلات عدیده ی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتا اخلاقی بیشتری کرد و شهر بوشهر و به تبع آن استان را از آنچه که بود بدتر ساخت: دریاها به نوعی قرق شد، سواحل از تحرک افتادند، بسیاری از ساکنان شبه جزیره بوشهر آواره شدند و خیلی های دیگری از نقاط وابسته به این استان جلای وطن کردند و سرمایه های مادی و معنوی از این دیار فراری شدند، روستاها و و بخش هایی که عمده ی روزگارشان با کشاورزی و صیادی و دریانوردی می گذشت، رو به نابودی نهادند، آنهم به گونه ای که با گذشت چندین دهه، می توان هنگام عبور از جاده ها و راه های استان، آثار مخروبه های این مناطق بدون سکنه ی سابقا مسکونی را بوضوح مشاهده کرد!!

با این اوصاف، حالا این سئوال از دوستان قدرتمند نشسته در نهادهای پرنفوذ استان فارس باقیست که آقایان محترم! چرا در یک چنان هنگامه هایی، شما بفکر پیوستن به دریای پارس و تصاحب بخش هایی از آن ویرانه های فراموش شده نیافتادید ودر صدد تقسیم قدرتتان با مردم این ناحیه بر نیامدید

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری، ممکن است هر تقاضایی از دولتیان بمنظور کسب آرای بیشتر کاندیداهای احتمالی آنان، امکان بر آورده شدن داشته باشد، ولی بیائید مصالح ملی و نظام و حفظ وحدت عمومی را بر کسب منافعی که فکر می کنید از این گذر نصیبتان خواهد شد، ارجح تر بدانید

تا حداقل این گوشه از خاک مملکتتان نیز از آنچه محرومیت نامیده میشود، خارج شود!؟ چگونه است اکنون که بوی نفت و گاز این استان که اتفاقا متعلق به تمامی ایرانیان است به مشامتان رسیده است و به گمان خود، مردمان درمانده این دیار را صاحب غنائمی کرده است که ممکن است آنان را از فلاکت های گذشته نجات دهد، در تلاش و تکاپو افتاده اید تا در بهره مندی ازآن غنایم، شریک الملک اهالی این سامان شوید!؟ آنهم با طرح درخواست هایی که آدم را به یاد "پطر کبیر" تزار زیاده خواه روسی – می اندازد!؟

اولا خدمت مسئولان فارسی پیگیر این مسئله عرض کنم که: " آواز دهل شنیدن از دور خوش است" ، یا بقولی : " کچل ار طبیب بودی، سر خود دوا نمودی "، اگر قرار بود که خلیج فارس و این همه نفت و گاز نهفته و آشکار در آن، سهم و موهبتی آنچنانی برای ساکنان آن داشته باشد، حال و روز ما به از آنی بود که حداقل برخی از این آقایان بهتر از بقیه خبر دارند!! ثانیا مگر اکنون، محدودیت و یا رادع و مانعی برای استفاده هموطنان فارسی ما از داشته های مختلف این استان و خلیج فارس وجود دارد!؟ در حال حاضر، به جرات میتوانیم ادعا کنیم که بیش از پنجاه درصد از مشاغل و فعالیت های عمده اقتصادی سرتاسر سواحل و بنادر خلیج فارس و بویژه استان بوشهر، در دست اهالی محترم فارس، بخصوص کازرونی های عزیز است.

به هر حال، سخن کوتاه کنم و به هموطنان صاحب منصب و گرانقدر و عزیز استان فارسی خود عرض نمایم که : برادران محترم! درست است که با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری، ممکن است هر تقاضایی از دولتیان بمنظور کسب آرای بیشتر کاندیداهای احتمالی آنان، امکان بر آورده شدن داشته باشد، ولی بیائید مصالح ملی و نظام و حفظ وحدت عمومی را بر کسب منافعی که فکر می کنید از این گذر نصیبتان خواهد شد، ارجح تر بدانید و مرتکب عملی نشوید که متضمن عواقب ناخوشایند و احتمالا شومی برای همگان باشد. بازی کردن با احساسات، علایق و پیوندهای تاریخی مردم و جریحه دار نمودن آن ها، در بر دارنده ی هزینه های هنگفتی است که جبران آن ها به آسانی امکان پذیر نخواهد بود. والسلام

سلامی و کلامی...

در دفاع از شاهد شلمچه

به بهانه توقیف "نصیر بوشهر"



یونس قیصی زاده

در تاریخ پرفراز و نشیب ایران زمین، صفحاتی به یادگار مانده است که مردمان این کشور پهناور تا ابد به آن افتخار خواهند کرد. بی شک دلاوری ها و ایثارگری هایی که رزمندگان این وطن در مقابله با تجاوز به سرزمین و باورهایشان در هشت سال دفاع مقدس، از خود نشان دادند و اندکی از آن همه، تا کنون انعکاس داده شده است، تا همیشه باعث سربلندی و غرور فرزندان این مملکت است.

بی انصافی است اگر کسانی را که برگهایی افتخار آمیزی در تاریخ دفاع مقدس از خود به یادگار گذاشتند و روح آسمانی دمیده شده در آنان، زمین را مفتخر به ثبت لحظات انسانی و ناب نمود، اکنون در شائبه های سیاسی، متهم به خیانت به دوستان شهیدشان و باورها و ارزش های فرازمینی اشان شوند. حقیقت مطلب اینکه حسن لاوری و همرزمان بجای مانده اش، در طی همه سالهایی که از پایان آن کارزار خونین، می گذرد جز به یاد آن سفرکردگان شهیدشان و خصلت های انسانی که در شلمچه و جای جای جبهه ها به چشم دیده اند، روز را نگذرانده و عظمت آن روزها و اتفاقاتی که در آن زمین گذشته و داغی که با از دست دادن دوستان بر دل نشسته، بقدری عمیق است که اگر نبود اجبار به ادامه زندگی عادی، بهتر این بود که جدا از دغدغه های معیشتی و روزمره و فارغ از این قیل و قال های سیاسی این سالها، با یاد زیبایی های آن سالها زمان باقی مانده از عمر را سپری نمود.

بی شک خون های ریخته شده از لاوری در شلمچه در آن شب سیاه و در کارزار آتش و گلوله، شاهد بودند که چگونه وی برای روشن ماندن این سرزمین کهن و باورهای آرمانی و آسمانی اش، در تقلای بین رفتن و ماندن، گرفتار آمده بود و حتما لاوری امروز بیشتر از گذشته افسوس زنده ماندن برای گرفتار شدن در این سوء تفاهم معتقدان و سوء استفاده رقیبان سیاسی را خواهد خورد.

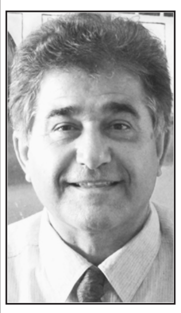
پای بجای مانده از حسن لاوری در شلمچه، امروز شرمنده است از اینکه صاحبش چه آسان متهم به توهین به جایگاهی شده است که جوانی، سلامت و زندگی اش را در آنجا در طبق اخلاص گذاشت و اگر می توانست سخن گوید حتما می گفت که فکر توهین به این مکان و آرمانهایش نیز هرگز در ذهن لاوری خطور نکرده و نمی کند.

فضای مطبوعاتی کنونی به شدت زیر فشار قرار گرفته و متاسفانه انحصارگران سیاسی برای از میدان به در کردن دگراندیشان سیاسی خود حاضرند با تکیه بر سوء تفاهم های معتقدان و هم اندیشان، از هر فرصت و ابزاری استفاده نمایند.

امیدواریم تاریخ و سلحشوری های جاودانه این مملکت، دستمایه انتقام گیری های سیاسی و بازی های جناح های قدرت طلب قرار نگیرید.

اصفهان، پایتختی چند فرهنگی

دکتر محمود دهقانی – سیدنی استرالیا



به عنوان یک ایرانی عاشق اصفهان، به دلسوزانی که در اصفهان خدمت می‌کند به ویژه به همه دست اندرکاران "همایش هفته اصفهان" درود می فرستم. اصفهان از دیر باز آبروی ایران بوده و هست. از همین شهر اصفهان بود که نام ایران در سراسر جهان پیچید و پرآوازه تر شد. معماری اصفهان زبانزد خاص و عام و مورد بازدید گردشگران درونی و جهانگردان سراسر جهان است.

این شهر آوردگاه فرهنگ ها و ادیان بود و روزگاری اروپاییان هنرمند در این شهر گالری هنر بر پا کرده بودند و پیروان ادیان گوناگون نیایشگاه های خود را به دلخواه خود تزئین می کردند.

اهمیت اصفهان از آنجاست که حتا اروپاییان نیز با تاریخ برجسته خود در مورد هارمونی فرهنگی در این شهر زبان به تحسین گشودند. تاورنیه در مورد اصفهان می گوید: "در مجمعی رسمی حساب کردم به سیزده زبان اصلی از جمله لاتینی ،فرانسه، آلمانی، هلندی، ایتالیائی، پرتقالی، فارسی، ترکی، عربی، هندی، شامی و مالایی"، صحبت می‌کردند.

اگر امروز در کشورهایی چون ایالات متحده امریکا، استرالیا، کانادا و نیوزیلند صحبت از جامعه چند فرهنگی می‌کنند، اصفهان در بیش از چهار سده پیش چند فرهنگی‌ترین پایتخت جهان بود و الگوبرداری‌های فرهنگی امروز در برخی کشورها در چهار گوشه جهان از روزگار پیشین این شهر زیباست.

مردم باهوش و پرتلاش اصفهان در امور بازرگانی و هنر و فرهنگ نه تنها زبانزد مردم سراسر ایران بلکه مورد تحسین اروپاییان نیز بوده‌اند. شاردن طلا فروش و جهانگرد فرانسوی می گوید: "هنگامی که شاهی (پیشوایی) عادل و زیرک بر اورنگ این کشور تکیه زده باشد و با پیشگیری از بیدادگری‌های راهزنانه وزیران، از قوانین مراقبت به عمل آورد، می‌توان گفت ایران خوشبخت‌ترین امپراتوری های جهان است".

اینجانب به سهم خود از همه دست اندرکاران چهارمین همایش هفته اصفهان، به ویژه از استادان و مسئولان گرامی دانشگاه آزاد خوراسگان سپاسگزار بوده و امیدوارم مسئولان نهادهای دیگر نیز، برای برپایی این کار شایسته فرهنگی پیش قدم باشند.

صدای سکه‌ی قلب

... این مسئله ی "صـــــداقت" چه خشم آور است! هنگامی که من از صداقت سخن می گویم در فکر صداقت شخص او هستم. وقتی به خودم مراجعه می کنم دیگر نمی فهمم منظور از این کلمه چیست. من هرگز جز آن نیستم که گمان می کنم هستم و این من، همواره در تغییر است، به طوری که غالبا وجود صبح من، وجود شبم را نخواهد شناخت ... هیچ چیزی جز خودم با خودم بیش تر متفاوت نخواهد بود. غالبا در تنهایی است که هیولای وجودم بر من جلوه می کند و من پیوستگی ذاتی خودم را در می یابم...!

... اگر امروز از من بپرسند چه فضیلتی زیباتر از همه است من بی‌تردید جواب می‌دهم : درستکاری.

آه، لورا...! دلم می‌خواست در طول زندگی‌ام، در برابر کم‌ترین زخمه‌ای، صدایی صاف و درست و اصیل به گوش برسانم. تقریباً همه‌ی کسانی که من شناخته‌ام صدای سکه‌ی قلب می‌دهند ... به همان اندازه که جلوه می‌کنیم ارزش داشته باشیم، در جست‌وجوی آن نباشیم که بیش از ارزش خود جلوه کنیم ... ما می‌خواهیم فریب بدهیم. آن‌قدر به ظاهر می‌پردازیم که سرانجام دیگر نمی‌دانیم که هستیم...! (سکه سازان / آندره ژید / مترجم: حسن هنرمندی)

اعتراض

دلسوزی فارسی ها برای مشکلات مردم عسلویه؟!

شاید فارسی ها دلشان برای مشکلات مردم عسلویه بسوزد؟! از شادی در پوست خود نمی گنجیم! چون قرار است چند کیلومترمربع ناقابل از مساحت استان ما در اختیار استان همسایه قرار داده شود تا آنها هم صاحب ساحل شوند. چند کیلومتری که هیچ ارزشی ندارد. کوه و سنگ و یک مشت خاک غیر حاصلخیز است که به درد هیچ نمی خورد فقط مقداری گاز بد بو در لایه های زیرین آن دفن است که آن هم اصلاً تحفه ای نیست چرا که جز بیماری و دردسر برای ساکنان اطرافش و درآمد بی حساب برای همه جز همان اطرافیانش، چیز دیگری به همراه ندارد. ضمن اینکه از قدیم گفته اند احترام همسایه خیلی واجب است.

البته مهم نیست که آنها قرار است به زور این مساحت ناقابل را از ما بگیرند. وظیفه ی ماست که حق همسایگی را ادا کنیم. مهم نیست که آنان چه هدفی دارند، می خواهند به دریا راه یابند و گاه گاهی قایق سواری کنند، استان خود را استان ساحلی بنامند، از درآمدی که از استان ما سر ریز هم شده! بهره ای ببرند، استانی جدید تاسیس کنند یا به قول آن سردار، ضعف نیروهای استان ما را به نوعی جبران کنند! و صدها فکر خوب و بد دیگری که دارند. منتهی من احساس می کنم نیت خیر ی دارند! و آن اینکه قرار است هم در خوشی ها و هم ناخوشی ها با ماشریک شوند. قرار است باری از دوشمان بردارند. همسایه ی ما حتما باخبر شده اند که مردم کنگان و عسلویه چه مشکلاتی دارند، خبر دارند که جمعیت کنگان و عسلویه بدون افزایش امکانات اولیه حداقل ۵ برابر شده ، شهرستان ما در رتبه سوم در وقوع بزه و ضرب و جرح عمدی و رتبه چهارم سرقت به دلیل مهاجر پذیری قرار گرفته، آن هم شهرستانی که یکی از امنترین و آرامترین شهرستانها بوده، منطقه ی ما به یکی از آلوده ترین مناطق کشور تبدیل شده. حتی سازمان انتقال خون هم از ما خون نمی گیرد، مردم ما ارزاق عمومی را باید دو سه برابر قیمت سایر نقاط تهیه کنند، خانواده های فقیر باید قدرت خریدشان را با مهندسان (البته بعضی اسماً) تنظیم کنند.

حتما مسوولان استان همسایه ی ما خبر دارند که تاکنون این مشکلات و صدها معزل و مشکل دیگر بر دوش مردم این منطقه بوده و لابد آنان از سر دلسوزی آمده اند تا قسمتی از این مشکلات را از دوش مردم بر دارند و لذا برای کار خیر نه اجازه لازم است و نه استخاره! حال که به نظر آن سردار محترم، مسوولان استان ضعیفند! چه بهتر که به جای اصلاح مدیریت استان که زمان بر است! این سرمایه ها را به استان همسایه ببرند و آنجا فضای سبز، آموزشی، بیمارستان، ورزشگاه، کتابخانه و دانشگاه و... بسازند و مردم استان بوشهر بویژه عسلویه و کنگان، هر وقت دوست داشتند بروند آنجا و از فضاها استفاده کنند!

راستی چقدر خاک استان و منطقه ما ارزش پیدا کرده که عده ای برای دست یابی به چند کیلومتر مربع ناقابلش از هم سبقت می گیرند؟

/http://saba-y-kangan.blogfa.com

مردی برای تمام فصول

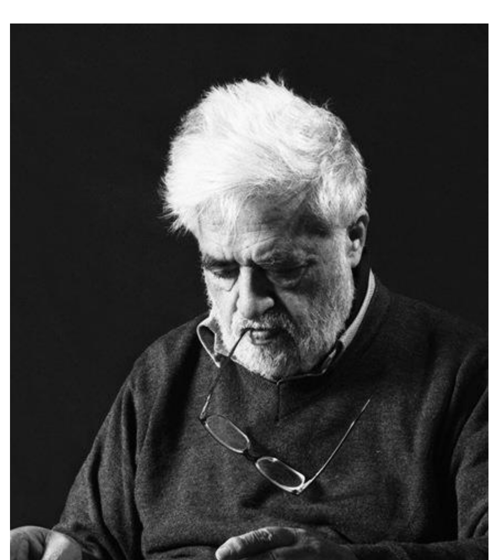
علی دهباشی



دکتر احسان نراقی پس از یک دوره چندین ماهه بیماری سرانجام در ساعت سه نیمه شب یکشنبه دوازدهم آذر ماه به علت « نارسایی عروق کرونر» در منزل مسکونی اش در کنار همسرش آنژل عرب شیبانی درگذشت.

احسان نراقی متولد ۱۳۰۵ بود. در خانواده ای فرهنگی و اهل قلم و کتاب بزرگ شد. پدرش حسن نراقی نویسنده چندین کتاب از جمله « مشروطه در کاشان» بود. احسان نراقی از دبیرستان دارالفنون دیپلم گرفت و پس از گذراندن کنکور وارد دانشکده حقوق شد. پدرش او را به علت فعالیتهای سیاسی در پایان سال اول به خارج فرستاد. در دانشگاه ژنو در دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی ثبت نام کرد. و این مصادف است با سال ۱۳۲۶ . ژان پیاژه از استادان معروف سوئیسی بود که نراقی از زمره دانشجویان مورد علاقه اش بود. در سال ۱۳۳۱ پس از اخذ لیسانس و گذراندن امتحانات دورهٔ دکتری به ایران بازگشت و در مرکز آمار ایران به تدریس مشغول شد. و در پاییز سال ۱۳۳۴ به همراه چند نفر دیگر از جمله مهندس قندهاریان و مهندس حسین ملک به عنوان افرادی که از نظر سیاسی نامطمئن اند از مرکز آمار ایران اخراج شدند. در دسامبر ۱۹۵۴ مجدداً عازم خارج از کشور شد و به پاریس و در مؤسسه تحقیقات دموگرافی که آلفرد سووی ایجاد کرده بود به تدریس پرداخت. و اولین تماس با سازمان یونسکو در سال ۱۹۵۵ ایجاد شد. رساله دکتری احسان نراقی تحلیل وقایع یکصد و پنجاه سال تاریخ معاصر ایران بود. در دوران اقامت و دانشجویی در سوئیس در « انجمن دانشجویان ایرانی» ژنو فعال بود و برای ملی شدن صنعت نفت از دکتر مصدق حمایت می کرد.

دکتر نراقی در زمینهٔ تحقیقات به مطالعهٔ تطبیقی در آمار کشورهای ایران و مصر و شمال آفریقا و ممالک خاورمیانه روی آورد که نتیجهٔ آن رساله ای شد با عنوان « یک پژوهش تئوریک دربارهٔ روشهای علمی مطالعهٔ جمعیت در کشورهایی که آمار کافی ندارند یا فاقد آمارند». این رساله در بهار ۱۳۳۵ نوشته شد و در سال ۱۳۳۹ توسط دانشگاه سوربن منتشر شد.

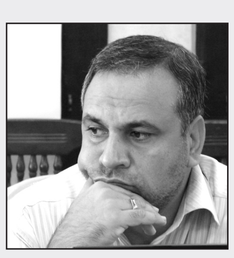


بعد از انتشار این رساله « انجمن جهانی مطالعهٔ علمی جمعیت» یک جایزهٔ بین المللی مطالعهٔ جمعیت به نراقی داد که برود به هر کشور و هر دانشگاهی که مایل هست به تحقیق بپردازد. در همین ایام با لویی ماسینیون آشنا شد که هفته ای یک بار در محضرش حاضر می شد. و در این دوران به پیشنهاد یونسکو « درباره عشایر خاورمیانه » کار مطالعاتی را آغاز کرد و به مصر ، سوریه، لبنان، عراق و اردن سفر کرد. دکتر احسان نراقی طی سالهای بعد به ایران آمد و همراه دکتر غلامحسین صدیقی در بنیان گذاری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی همکاری کرد. و در طی سالها مدیر مؤسسه بود. دکتر نراقی همچنین دو دورهٔ کامل مشاور عالی مدیرکل یونسکو فدریکو مایور بود. و از آثار او می توانیم به کتابهای : ۱) علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن ـ چاپ اول ۱۳۴۴ . انتشارات دانشگاه تهران. ۲) جامعه ، جوانان، دانشگاه، دیروز، امروز و فردا. چاپ اول ۱۳۵۰. انتشارات جیبی ۳) غربت غرب. چاپ اول ۱۳۵۳ . انتشارات امیرکبیر ۴) آنچه خود داشت ... چاپ اول ۱۳۵۵، انتشارات امیر کبیر. ۵) طمع خام ، چاپ اول ۱۳۵۶. انتشارات توس. ۶) آزادی ، حق و عدالت (گفتگوی اسماعیل خویی با نراقی) چاپ اول ۱۳۵۶. ۷) از کاخ شاه تا زندان اوین ، چاپ اول ، ۱۳۷۲ انتشارات رسا و چندین کتاب به زبان های فرانسه و انگلیسی . دکتر نراقی در سالهای اخیر بیشتر به نگارش خاطرات خود مشغول بود.

از ویژگی های دکتر نراقی، صفت ایران دوستی او بود که به غایت در تمامی زندگی او به چشم می خورد به ویژه در عرصه بین المللی . هنگامی که سرزمین ما آماج حملات زمینی و هوایی صدام حسین بود، او یونسکو را بر آن داشت تا به خاطر حفظ میراث فرهنگی این حملات را محکوم کند و چندین بار مدیرکل وقت یونسکو به اهتمام دکتر نراقی از ایران دفاع کرد. و در سایر موارد که صحبت از منافع ملی ایران بود همواره در صف اول حاضر می شد. بسیار خوش قلب بود . هیچگاه بدخواهی کسی را از او ندیدم و ندیدیم. اگر ناراحتی و گرفتگی و آزردگی برایش پیش می آمد به سرعت فراموش می کرد. بسیار اهل «دستیگیری» بود. به خصوص برای دانشجویان و اگر استعدادی می یافت دست به هر کاری می زد که آن دانشجو به جایگاهی که باید برای ادامه تحصیل پیدا کند برسد. غالباً به داد و یاری کسانی می رفت که به هر دلیلی دیگر مورد توجه نبودند و در این کار اصرار می ورزید. خودش این حال را بیش از هر کس تجربه کرده بود و این هنر را داشت که زبان آنها را می فهمید. هیچ استاد پیری را ندیدم که به اندازه دکتر نراقی با جوانان نشست و برخاست داشته باشد. انعطاف پذیری یکی دیگر از ویژگی های دکتر نراقی بود. تحمل شنیدن نظر مخالف خود را داشت و به همین دلیل علاقمند به گفتگو بود و از شنیدن انتقاد و نظرهای متفاوت با خود هراسی نداشت و از آن استقبال می کرد. فروتنی ذاتی و واقعی او آنقدر جذابیت داشت که محفل گرم و دلنشین او را همواره ترجیح بدهیم. یادش گرامی باد و خاک بر او گوارا.

واکنش رییس شورای شهر بوشهر به توقیف هفته نامه نصیر بوشهر:

مسئولان فارغ از نگاههای سیاسی به رسانه ها کمک کنند



رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر نسبت به توقیف نشریه باسابقه بوشهری واکنش نشان داد و از مسئولان خواست تا با سعه صدر موضوع را حل کنند.

مسعود شکوهی در گفتگو با خبرنگار بُنا اظهار داشت: از مسئولان قضائی خواهشمندم با سعه صدر با موضوع برخورد کنند؛ چرا که رسانه ها ریه های تنفسی جامعه هستند.

وی با تأکید بر اینکه تمامی مدیران و اصحاب رسانه باید در فضای تفاهم و همدلی برای توسعه استان گام بردارند، تصریح کرد: وظیفه تمامی مدیران اینست که فارغ از نگاههای سیاسی و تنگ نظرانه به رسانه ها برای آگاهی رسانی به مردم کمک کنند، زیرا کاری که اصحاب رسانه انجام می دهند جز عشق نمی توان تا آخر ایستاد.

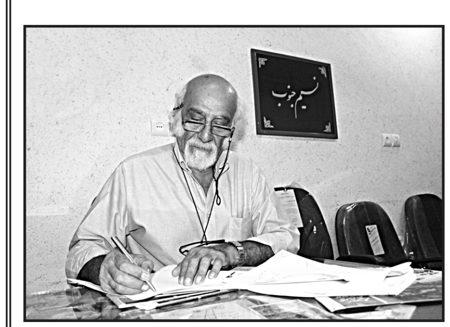
وی در پاسخ به این سئوال که آیا مطلب منتشره در نشریه نصیر بوشهر در خصوص شلمچه اهانت به این منطقه مقدس بوده یا خیر، گفت: مدیرمسئول این نشریه یادگار ۸ سال دفاع مقدس است و مطمئنم روحیه ایشان بگونه ای است که هیچگاه بدنبال این نبوده، نیست و نخواهد بود که ذره ای به ارزشهای دفاع مقدس لطمه ای وارد شود، اما متأسفانه در این میان عده ای بدنبال انتقام گیری از این نشریه بودند.

وی تأکید کرد: هرگز نباید فضا بگونه ای باشد که قلم نقادانه افراد دلسوز را با نگاه بدبینی نگریسته و به آنها حمله کنیم.

شکوهی گفت: تمامی اقشار مختلف جامعه ایران اسلامی موظفند در مقابل رشادتها و جانفشانی های شهدا، جانبازان و ایثارگران سر تعظیم فرو آورند.

ادب و هنر
شماره ۶۸۴ - یک شنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

شعرهای دوشنبه های ادبی نسیم جنوب



ابوالقاسم ایرانی

..
خرگوش
مهارتی است که
تو
در سفر
نه راه
نه توشه
نه شیهه ی
اسبی
نه خوابی
که ترک بردارد
از تابش
آفتاب
تو
جز
سفر
در سفر
چه داری
***

ارسلان باقری

..
روستای منی!
هر جای نقشه که انگشت بگذارم
فاصله را تا تو می سنجم

خیانت
جنگ
گرسنگی
زمین ریگی است در کفش آفرینش

***

آشو صفری

..
کنار پنجره دلتنگِ باران
گرفته انتظارش رنگ باران

معلم داد زد: اخراج مریم
صدای هق هق او زنگ باران
شبی دور از هیاهو با تو بودم
روان چون آب در جو با تو بودم

جهانی بی قرار عشق ما بود
و من آرام هرسو با تو بودم
***

قاسم محمدی باغملایی

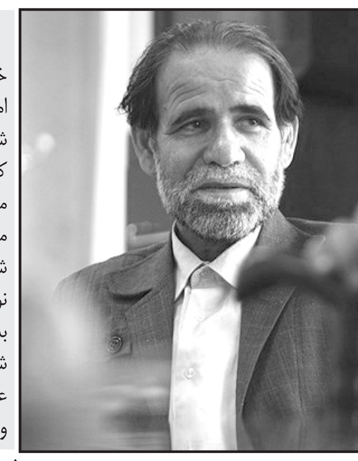
خورشید از پشت تور صیاد
از قاب خون گرفته خود
به او نگاه کرد
و بادهای خسته
موجهای کوچک تنبل را
به دوش می کشیدند
و شانه زخمی ساحل
چه تبی داشت

صدها دوشنبه با دوشنبه های ادبی نسیم جنوب

بعدازظهر دوشنبه هر هفته در دفتر نسیم جنوب

مرا با خویش تنها می گذاری

آخرین دیدار با خلیل عمرانی، شاعر دیری



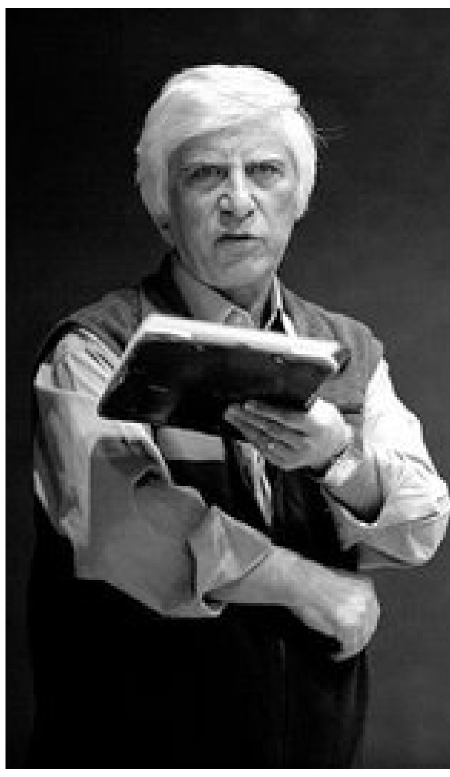
خلیل عمرانی، شاعر انقلاب درگذشت

خلیل عمرانی، شاعر انقلاب پس از یک دوره بیماری، بامداد امروز در ۴۸ سالگی درگذشت. خلیل عمرانی اوایل آذرماه بر اثر شوک وارد شده به وی پس از عمل جراحی قلب باز و احیا نشدن کلیه‌های وی، دچار شوک ناشی از دیالیز دچار کمبود اکسیژن در مغز شد و به کما رفت. خلیل عمرانی در سال ۱۳۴۳ در بندر دیر متولد شده است. در سال ۵۷ به صورت جدی وارد عرصه شعر شد و از همان دوران به عضویت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان درآمد. آثار وی به صورت پراکنده در نشریات و مجلات به ویژه جنگ‌های دفاع مقدس انتشار یافته و در اغلب کنگره‌های شعر به عنوان شاعر، میهمان و داور حضور داشته است. از آثار عمرانی می‌توان به مروارید فراموش، ساعت به وقت شرعی دریا و در مدار یک اشاره کرد.

سیّد مرتضی کراماتی: سه شنبه به دیدارش رفتم؛ اما سکوتش بیشتر آتشم زد، جمعی هم آمدند، برادرش که چند روز بود تهران بود، غلامرضا زارعی و دوستان شاعرم.
سید وحید سمنانی در آغوشم که قرار گرفت از سوز دل بیقراری می کرد؛ می گفت دیشب بفکرت بودم و غلامرضا زارعی هم گفت سیّد دیشب آمده، بیمارستان قلب تهران در کارگر شمالی طبقه سوم اتاق (۴ ccu) تختی داشت که ایستادگان بیرون از آن باید یکی یکی می رفتند و از نزدیک نگاه مضطربشان را در تلاقی چشمان نیمه بسته ی او به افقی به رنگ دعا و تضرع خیره می نمودند و اشکشان را از دید استاد پنهان می نمودند.
غلامرضا زارعی آمد و به من که کنار تختش مات مانده بودم گفت بمان تا سیّد بیاید، بمان، به در نگاه کردم قامت سید پورفاطمی که کسوت نمایندگی مجلسش هم از خاکی بودنش چیزی نکاسته آمد، روبوسی کرد، گفت حالش چطوره و من خودم را کنار کشیدم صداش زد کنارش ایستاد بیشتر از ده دقیقه در اتاق ماند. بیرون آمدم، دوستان یکی یکی می رفتند.
سیده هاجر هم نگاهها را رصد میکرد، نمناکی چشمانش آدم را بیخود میکرد.
مصطفی علیپور و مرتضی نوربخش که قبل از ساعت ۳ آمده بودند با هم نجوا میکردند؛ سیروس مرادی و عباس کلهر هم آمدند؛ تلفن ها بصدا می آمدند و معلوم بود که برای چه کسی بصدا در می آمدند، عبدالله برادرش میگفت الحمدالله امروز بهتر از دیروز است، خواهرش فاطمه از اتاق بیرون آمد؛ خوشحال بود که با تکان دست و پا صدایش، صدایش را شناخته، دیگران هم آمدند.
خانم الماسی هم خودش را به وقت ملاقات رساند و از نزدیک در جریان امر قرار گرفت، با همسر و دختر خلیل و خواهرش گپ و گفتی داشت، حسن زبیری از بچه های لمبدان که کارمند وزارت آموزش و پرورش هست نیز آمد، به علی افراشته معاون اجرایی مجلس زنگ زدم و کمی گله کردم که به سراغ خلیل نیامده، قسم خورد که بی خبر است و در اولین فرصت خواهد آمد. غلامرضا زارعی گفت شاید مسافرت خارج از کشور بوده، همانجا یاد دوبیتی افتادم که موقع توديع و معارفه علی افراشته از مدیر کلی فرهنگ و ارشاد اسلامی که خلیل معاون فرهنگی اش بود برایش سرود که:

مرا با خویش تنها می گذاری
میان دشت غمها می گذاری
عزیزم می شود آیا بگویی
دلت را می بری یا می گذاری

قرار بود وزیر فرهنگ و ارشاد هم بیاید، وقت ملاقات که تمام شد تا بیست دقیقه بعد هم کسی از راهرو تکان نمی خورد، انتظامات که آمد باز هم شاعران از دلتنگی هایشان می گفتند؛ بابک نیک طلب شاعر کودک و نوجوان از پرجنب و جوشی خلیل می گفت و اینکه دعا کنیم خلیل با سلامت کامل برخیزد.
شب حیدر منصوری زنگ زد و گفت سیّد وحید زنگ میزند گوشی بردار، سیّد گفت داریم ویژه نامه ای برای خلیل در روزنامه جمهوری اسلامی کار می کنیم، مطلبی بنویس صبح زود باید تحویل دهیم، ما هم تا صبح باتفاق دوستان در اسلامشهر کارها را آماده میکنیم.
تا پاسی از شب با فکری خسته مطالبی را نوشتم که مطلب را بردم بیمارستان ساعت دوازده گذشته بود، غلامرضا زارعی و عبدالله عمرانی و سیّدعمران برادر سیّدهاجر در نمازخانه بیمارستان بودند، من هم باید خود را به فرودگاه می رساندم، مطلب را به غلامرضا دادم تا به دست سیّد وحید برساند.
ازشان خداحافظی کردم، با خود میگفتم ای کاش اجازه ملاقات می دادند، برگشتم و باز یاد شعرش افتادم که سروده بود:
برگشته ام ادامه ی جانم را...
که گمان کنم برای جنگ و خرمشهر سروده بود...



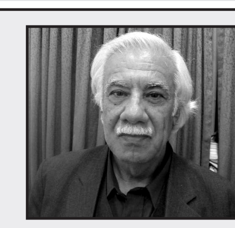
ناچار از شناختیم، ناچار از آموختنیم

این که ما گوشه‌ای گُزیده باشیم و اصطلاحاً مترقّی‌ترین متن‌های دنیا را بخوانیم معنی‌اش این نیست که همه‌ی مردم ما هم در دنج‌های خود همان را می‌خوانند... اگر ما می‌خواهیم کاری برای خودمان و این مردم کرده باشیم راهی نداریم جز این‌که ببینیم آن‌ها در دنج خود به چه می‌اندیشند.
من ایمان دارم که ما مردم خود را نمی‌شناسیم و این مشکلِ بزرگِ روشنفکریِ ماست. امّا مشکلِ بزرگ‌تر این است که مردم ما هم خود را و هم یک دیگر را نمی‌شناسند و میان‌شان گفت‌وگو وجود ندارد. تصویر، نافذترین راهِ شناسایی یک‌دیگر است؛ آن هم در کشوری که نود درصدِ مردم آن مار را فقط از روی تصویرِ آن می‌شناسند و نه نوشته‌اش. من تصوّر می‌کنم ساخت و کنش‌های جامعه‌ی ما نیاز به دوباره‌اندیشی دارد. این جامعه نیاز دارد که باورها، عادت‌ها و رفتارهای خودش را از بیرون ببیند و بشناسد و از نو برای خودش معنا کند و فقط در سایه‌ی این معناشناسی‌ست که حرکتی فهمیده به سوی نوزایی رخ می‌دهد. هیچ چیز به اندازه‌ی تصویر به این معناشناسی کمک نخواهد کرد؛ و برای همین است که تصویر این‌همه زیرِ ضربه است. تصویربردار عاداتی را که ما تا درونِ آن‌ها هستیم نمی‌بینیم از بیرون می‌بیند و چنان ثبت می‌کند که هر کس در هر شرایطی و با هر فاصله‌ای بتواند آن را ببیند و بسنجد و داوری کند؛ اگر نیازمندِ تغییر است تغییرش دهد و اگر ماندنی‌ست نگهش دارد و اگر دورریختنی‌ست دورش بریزد. جامعه‌ای که تصویری از خود ندارد اصلاً هویّت ندارد و جامعه‌ای که تصویربردار ندارد آینه‌ای در برابر ندارد.
کسانی که فردوسی را به این دلیل که هویّتِ ما را به ما بازگردانده، می‌ستایند در واقع نمی‌دانند که او را برای این می‌ستایند که صریح‌ترین تصویربردارِ ما بود. در موردِ او هم این کار با بازیابی و بازاندیشی و بازسازیِ زبان همراه بود؛ مسأله‌ای که امروز دست‌کم آگاهی به آن و کوشش‌هایی برای آن را می‌بینیم. او تصویر را می‌دهد؛ ما را از بیرون به درون و از درون به بیرون حرکت می‌دهد؛ و نظرِ خودش را هم می‌گوید. ما هم جز این نمی‌کنیم؛ هرچند او استاد بود و ما شاگرد. تأکید می‌کنم ما ناچار از شناختیم. ناچار از آموختنیم.
(در جست‌وجوی سینمای ایران، گفت‌وگو با بهرام بیضایی، فصل‌نامه‌ی گفتگو، شماره‌ی ۴، تابستانِ ۱۳۷۳)

نمی بینم زمردم آشنایی
نمی آید ز کس بوی وفایی
مده فایز به وصل گلرخان دل
که آخر می کشندت از جدایی

موبد : باید به سراسر ایران زمین پندنامه بفرستیم.
زن آسیابان : پندنامه بفرست ای موبد، اما اندکی نان نیز بر آن بیفزای. ما مردمان از پند سیر آمده‌ایم و بر نان گرسنه‌ایم!
(مرگ یزدگرد -بهرام بیضایی)

دریا و شاعران



عبدالمجید زنگویی

دریا شده است خواهر و من هم برادرش
شاعرتر از همیشه نشستم برابرش(محمد علی بهمنی)

دریا خَواهِر است و من استم برابرش
گویی برادری نشسته به نزدیک خواهرش
آری، برادری که بود یار و همدمش
فخر من است با همه اسرارِ در برش
با آسمان به صحبت و نجوا نشسته است
و آوای عشق می شنوم از سراسرش
باکی نمی کند ز هیاهوی روزگار
سنگین و با شکوه لمیده به بسترش
صدها هزار خاطره ی شور و شکّرین
می گوید از صحیفه و از لوح خاطرش
ز احسان و لطف اوست که زاییده می شود
بسیار های و هوی ز سیمای بندرش
شعر و ترانه ام همه از او گرفته جان
«دُرّ دری» است، همتک و همسنگ گوهرش
دریا! منم برابرت، آزاده شاعری
باور بکن که نیست غل و غش به باورش
دریا: چه جورها که به ذات تو می رسد
از گردش زمانه و آسیب اخگرش

روزی مباد حقّه ی ناپاک اهرمن
بر هم زند لطافت و پاکّیِ اندرش

جانهای بیقرار به او دل سپرده اند
شاید قرار باشد و رامش به محضرش
کشتی شکستگان واقعه با موج در ستیز
تا طی کنند راه به فانوس اخترش
دریا خموش نیست، مهیای خیزش است
پیداست این خروش ز اعماق پیکرش
دریا به شوق آمده است و نشاط و شور
صد عشق و اشتیاق فتاده است در سرش

*در استان بوشهر، هنگامی که دریا آرام باشد می گویند دریا خَواهِر است – بر وزن جَواهِر –



خبری از تحقق وعده فرماندار و نماینده نشد

در هفته دوم از تیر ماه ۹۱، خلیل عبداللهی فرماندار شهرستان جم در دیداری با کارشناسان صدا و سیمای استان بوشهر گفت: بزودی شاهد راه اندازی شبکه دیجیتال در شهرستان جم خواهیم بود؛ این وعده تا شهریورماه عملی نگردید و در هفته دولت سالجاری(۲ تا ۸ شهریور ۹۱) این وعده مجدداً از طرف فرماندار تکرار گردید.
۳۰ مهر ۹۱ بود که حجت الاسلام احمدی نماینده مردم دیّر، کنگان و جم در مجلس شورای اسلامی نیز خبر از موافقت با مسئولان صدا و سیمای استان جهت پوشش شبکه های جدید دیجیتال کشور در جنوب استان بوشهر و شهرستان جم داد.
اما تا به امروز نه تنها خبری از تحقق وعده های فوق نیست بلکه هر از گاهی اختلالاتی نیز در ۶ شبکه موجود مشاهده می گردد.
امید است فرماندار و نماینده مردم در راستای تحقق وعده های خود به مردم تلاش بیشتری نمایند. | آوای جم

افتتاح کتابخانه بردخون در دهه فجر

فرماندار شهرستان دیّر با بیان اینکه ساختمان کتابخانه عمومی بردخون در دهه فجر افتتاح می شود، گفت: هفت درصد مردم شهرستان دیّر در کتابخانه های عمومی عضویت دارند که این آمار بالاتر از میانگین کشوری است. به گزارش فارس، علی بحرانی در جلسه مشترک انجمن کتابخانه های عمومی و نهضت مطالعه مفید شهرستان دیّر اظهار داشت: همانطور که افزایش سطح بهداشت برای سلامت جسمی اهمیت فراوانی دارد، سلامت روحی نیز در گرو ارتقای فرهنگ مطالعه است. وی افزود: افزایش سطح فضای کتابخانه ها و ترویج فرهنگ مطالعه باعث تقویت فرهنگ و کاهش بزهکاری های اجتماعی خواهد شد که با توجه به وضعیت آماری کتابخانه های شهرستان دیّر هفت درصد مردم شهرستان دیّر در کتابخانه های عمومی عضویت دارند که این آمار بالاتر از میانگین کشوری است.
مدیر کل کتابخانه های عمومی استان بوشهر نیز در این جلسه گفت: مطالعه و کتابخوانی از جایگاه بالایی برخوردار است و جوامعی که در این زمینه اهتمام دارند، همواره مسیر توسعه و پیشرفت را با سرعت می پیمایند و دچار لغزش نمی شوند. صدرالله محتشم افزود: اختصاص اعتبارات به کتابخانه ها و توجه بیشتر به فرهنگ مطالعه پایه و اساس تمام زیر ساخت های جامعه است که به زودی شاهد تحول عظیمی در حوزه کتاب و کتابخانه در استان بوشهر خواهیم بود.

نصب بزرگترین سکوی فاز ۱۲ پارس جنوبی مستند خبری شد

به گزارش روابط عمومی صدا وسیمای مرکز بوشهر مستند خبری گزارشی نصب بزرگترین سکوی فاز ۱۲ پارس جنوبی که به صورت ۳ پایه ای در یک روز بارانی در ۱۵۰ کیلومتری عسلویه در عمق آبهای خلیج فارس قرار گرفت مستند خبری شد .این سکو که در خرمشهر ساخته شد و با یک فروند بارج به آبهای عسلویه منتقل شد توسط کارکنان شرکت تاسیسات دریایی نفت و گاز پارس با موفقیت در آبهای خلیج فارس نصب شد تا نمادی دیگر از اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس استوار یابد. به گفته محسن عمادی تهیه کننده این مستند خبری اعزام بالگرد به خلیج فارس –تهیه تصاویر در روز بارانی از جمله دشواری ها ی تولید این مستند خبری بوده است. عوامل این اثر عبارتند از تهیه کننده و نویسنده و خبرنگار : محسن عمادی– تصویربردار: محمد امیری – تدوینگر: معصومه احمد زاده.

نمک سبز سواحل بوشهر مستند خبری شد

به گزارش روابط عمومی صدا وسیمای مرکز بوشهر مستند خبری نمک سبز در واحد اطلاعات و اخبار مرکز بوشهر تولید شد و چندین بار از شبکه های خبری استانی وکشوری پخش شد. این مستند خبری به بررسی طرحی تحقیقاتی که برای پرورش نمک سبز در ساحل بوشهر در پارک علم و فناوری خلیج فارس در حال اجرا می باشد می پردازد . شایان ذکر است در سواحل استان بوشهر گیاهی شور پسند یافت می شود که علاوه بر سازگاری با آب دریا ارزش غذایی هم دارد . نام این گیاه سالی کور ینا می باشد این گیاه حاوی روغنی مانند روغن کنجد است که قابلیت استفاده به عنوان سوخت زیستی را دارد و می تواند خوراک خوبی برای دام ها باشد قرار است پارک علم و فن آوری خلیج فارس سالی کورینا را به صورت آزمایشی در ۵ هکتار زمین واقع در دهکده دانایی بوشهر پرورش دهد . عوامل این مستند خبری : تهیه کننده و خبر نگار : بهاره مسعودی و تصویر بردار : سید علی رکنی می باشد. شایان توجه است که در سال جاری چندین مستند گزارشی در واحد اطلاعات و اخبار مرکز بوشهر مرکز تولید شده که از شبکه های سراسری پخش شده است.

"نیما" میهمان دوشنبه های ادبی نسیم جنوب



در سه جلسه گذشته دوشنبه های ادبی نسیم جنوب بحث در خصوص شعر نیما بود و به شکل تخصصی شعرهایی از این شاعر بزرگ بررسی و نقد گردید .
....

ویژگی های شعر نیما

در جلسه ی بیست و نهم آبانماه نود و یک، علاوه بر ادامه ی بحث شعر نیما و شعر خوانی های حاضران در جلسه ، کتاب محسن موسوی میر کلایی معرفی گردید. مینا درعلی دبیر جلسه به شرح کتاب پرداخت و گفت که شعرهای این کتاب بنا به گفته ی شاعر مربوط به سروده های ۷۹ – ۸۹ این شاعر می باشد که توسط انتشارات بوتیمار چاپ شده است . وی تعداد اشعار این محموعه را بیست و شش شعر برشمرد و گفت که این شعرها دارای تاریخ سرایش نیستند و برخی از آنها به اشخاص صاحب نام از جمله احمد تمدن، ابوالقاسم ایرانی، عمران صلاحی، مختاری و ... تقدیم شده اند.
محسن موسوی میرکلایی دو شعر از مجموعه ی "به تنهایی باز می گردم " را قرائت کرد و توضیح مختصری در خصوص چاپ کتاب ارائه کرد .
در بخشی از جلسه شعرهای نیما پی گرفته شد و دو شعر از نیما توسط محمدی و فرح راورد شیری خوانده شد .
مرتضی زند پور در خصوص ویژگی های شعر نیما گفت که در شعرهای این شاعر استفاده بسیار جالبی از عناصر طبیعی شده. وی افزود که این عناصر به صورت بکر وارد شعرهای نیما شده و با تخیل او به شکل عناصر شعری بروز کرده است.
مرتضی زند پور گفت: نیما ازخودش به طبیعت و از طبیعت به مردم و از مردم به خودش رسیده است.
محمد حسن آرش نیا مسئو ل جلسه ی نسیم جنوب در ادامه ی صحبت های وی گفت: نیما از صنعت تشخیص در شعرهایش استفاده کرده و برای عناصر طبیعی شخصیت قائل شده است.
آرش نیا در ادامه گفت که نام گذاری دوباره ی اشیاء در شعرهای نیما یکی از ویژگی های شعری اوست و در ادامه به رقص ضمیر در شعرهای نیما اشاره کرد و گفت: این ضمایر متصل در شعرهای این شاعر گاه جابجا می شوند و ایجاد آهنگ یا وزن و فرم می نمایند .
در ادامه جلسه شاعران حاضر در جلسه به شعر خوانی پرداختند. این شاعران عبارت بودند از : محمدی باغملایی ، محمود یوسفی، فرح راورد شیری ، سمیه تمیمی ، مرتضی زند پور، امید خوشنود ، زهرا رضایی طرحانی و وحید احمدی .
...

نسبیت در شعر نیما

در جلسه ششم آذر ماه نود و یک نیز شعرهایی از نیما خوانده شد و در مورد نسبیت در شعر بحث شد. محسن شریف گفت که در شعر بهتر است به زیبایی شناسی توجه شود تا پرداختن به مسایل پشت پرده و حاشیه ای. وی در ادامه ی بحث خود به این نکته اشاره کرد که مسایل سیاسی و سیاست های نهفته در شعر زیبایی شعر را کم میکنند.
محمد حسن آرش نیا در ادامه ی بحث نسبت های شعری گفت که در شعرهای نیما هر چند که مسایل حاشیه ای از جمله سیاست هم وجود دارد اما وجه زبانی و شعریت این شعرها آنچنان است که لطمه ای به شعر وارد نکرده و نسبت های تازه ای را بین زبان و رخداد های فرا متنی بوجود آورده است .
..

عناصر سیاسی ، اجتماعی شعر نیما

در جلسه سیزدهم آذرماه نود و یک ابتدا شعر "وای برمن" نیما توسط مهری کرمی و ابوالقاسم ایرانی قرائت شد و سپس مقاله ای که سالها پیش توسط محمد حسن آرش نیا بر این شعر نوشته و پیشتر در نشریه ی نسیم جنوب چاپ شده بود توسط مینا درعلی خوانده شد و نقطه نظراتی توسط افراد حاظر در جلسه بر شعر و مقاله عنوان گردید.
آرش نیا از منظر تاریخی شعر را شکافته و عناصر سیاسی و اجتماعی را از دل آن بیرون کشیده است. وی ابتدای این شعر را بیانگر این دانست که نیما نهالی در دل خود کاشته و آن را پرورانده تا از آن حاصلی بردارد که متاسفانه بر اثر حوادث ناگوار روزگار این نهال خشک شده و تلاش او هم برای احیای آن بی نتیجه مانده است.
در ادامه آرش نیا گفت: بنا بر تاریخی که نیما در آن میزیسته این نهال امید می تواند دستاوردهای مشروطیت باشد که با شکست آزادیخواهان و سلطه دیکتاتوری رضا خان به یاس تبدیل شده است.
در بخش دیگری از مقاله ی "نشانه ای از سیه روزی" آرش نیا به این پرداخته که ، نیما به گواهی شعرهایش و آن گونه که جلال آل احمد دوست بسیار نزدیکش در مقاله "پیرمرد چشم ما بود " او را معرفی کرده و علی رغم انقلابی که در شعر فارسی به پا کرده خود شاعریست تقریبا نا امید و شکاک.
در نهایت شعر به این می پردازد که دشمنانی در پی شاعر هستند که این بخش از واهمه و ترس توسط آرش نیا در مقاله به خوبی پرداخت شده است .
در ادامه ی جلسه دوستان حاضر در جلسه نظرات خود را در خصوص مقاله و لایه های پنهان و آشکار شعر بیان کردند و در پایان جلسه نیز شعر خوانی شاعران جلسه را به پایان رساند.

رونمایی از سه کتاب جدید درباره روحانیت بوشهر

همزمان با اولین همایش تجلیل از مفاخر و روحانیت استان بوشهر از سه کتاب جدید درباره روحانیت بوشهر رونمایی شد. در این همایش از سه جلد کتاب پیرامون سه شخصیت نام آور استان شامل حضرات آیات سیّد مرتضی اهرمی، حاج شیخ حسن آل عصفور و سیّد محمد تقی حجّت رونمایی شد. گفتنی است کتاب "بر فراز فقاهت و پارسایی" در شرح حال آیت الله سیّدمحمدتقی حجّت بوشهری از مفاخر سترگ استان بوشهر در سده نیمه دوم قرن چهاردهم هجری قمری به سفارش آیتت الله صفایی بوشهری؛ توسط حجت الاسلام مصطفی مرهونی بوشهری به زیور طبع آراسته و در این همایش رونمایی گردید. همچنین به بهانه ی نگارش این اثر ارزنده از نویسنده آن، مرهونی بوشهری تجلیل شد.

نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۶۸۴ - یک شنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

مصاحبه با اکبر ناهاری دبیر با سابقه آموزش و پرورش بوشهر:

شیوه های آموزشی ما غیر کاربردی و هیچ مهارتی برای زندگی به دانش آموزان نمی آموزند

معلمان به دانش آموزان درس زندگی و تمرین اعتراض یاد دهند تا بتوانند از حق خود و دیگران دفاع کنند



– در چه سالی و در کجا به عنوان دانش آموز به مدرسه رفته اید؟

– بنده در بیستم مرداد ماه هزار سیصد و سی شش پای در زندان هستی گذاشتم و در مهر ماه هزار سیصد و چهل دو مادرم دستم را گرفت و در دبستان مهرگان جبری که پر از مهر و صفا بود ثبت نامم کرد و تا پایان دوره ی ابتدایی در این مدرسه تحصیل نمودم. سپس سیکل اول متوسط و چهارم و پنجم ادبی را در دبیرستان داریوش کبیر و سال ششم ادبی را در دبیرستان سعادت به پایان رساندم.

– مقاطع بالاتر را در کجا گذراندید و چه سابقه آموزشی دارید؟

– تحصیلات بالاتر را در مرکز تربیت معلم و شیراز، دانشگاه آزاد کازرون و دوره ی کارشناسی ارشد را در دانشگاه آزاد بوشهر سپری نمودم. سی و شش سال سابقه تدریس دارم و در مقاطع راهنمایی، متوسطه و همچنین دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر به تدریس اشتغال داشته ام.

– از معلمان دوره ی دانش آموزی خودتان چه کسانی را به یاد می آورید؟

– از معلمان دوره ی مختلف تحصیلم تعداد زیادی هستند که خطی بر دفتر خاطرات ذهنم کشیده اند و هنوز که هنوز است خود را شاگرد و دست بوس همه آن ها می دانم. آقای صیادی مدیر مدرسه، آقایان سهرابی، زین الدین و دشتی معلمان دوره ابتدایی بودند. در دوره متوسط آقایان مرحوم ظریفی، مرحوم نبوی، مرحوم شیرزا محمد آقایی که واقعا تعلق خاطر زیادی به او داشتم و دارم، علی حق شناس، علی باباچاهی، صلصال، ثابتان فدایی، کنین، محمد رضا دباش و ... که خود را و هر چه از علم و دانش بهره برده ام مرهون الطاف همه ی آن ها عزیزان می دانم.

– معلمان آن زمان چگونه بودند؟

– تعداد زیادی از این عزیزان تلاشی مثال زدنی در امر تدریس و تعلیم و تربیت دانش آموزان داشتند که خداوند حق آن ها را بر گردن ما حلال کند و متاسفانه تعداد اندکی هم بودند که چندان تاثیری در امر آموزش نداشتند.

– حال و هوای مدرسه و درس خواندن در زمان دانش آموزی شما چگونه بود؟

– در آن دوره دانش آموزان با وجود مشکلات فراوان علایق زیادی به تحصیل داشتند زیرا می دانستند حداقل با گرفتن دیپلم یا سیکل آینده ی شغلی خود را تضمین خواهند کرد به همین جهت با شوق و ذوق فراوان به درس خواندن می پرداختند.

– چه شد که به استخدام آموزش و پرورش درآمدید و چرا شغل معلمی را انتخاب کردید؟

– در سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار بعد از اخذ دیپلم ادبی در آزمون ورودی دانشسرای راهنمایی شرکت نمودم و بعد از قبولی در کنکور و گذراندن دوره ی دو ساله تربیت معلم جا پای بزرگان نهادم و به کسوت شریف معلمی در آمدم. ورودم به این کسوت اتفاقی بود، اما رفته رفته عشق به این شغل در تار و پودم ریشه دواند و بعد از ازدواج با این معشوق، عاشقش شدم به طوری که بعد از سی و شش سال هنوز ذره ای از این عشق کم نگردیده است.

– در چه شهر و روستاهایی به تدریس اشتغال داشتید؟ و امکانات آموزشی در آن زمان چگونه بود؟

– ابتدا چند ماه در شهرستان کنگان مشغول تدریس شدم و بعد از خدمت سربازی در شهرستان دلوار، روستای گورک سادات، آب طویل، چاه کوتاه، چغادک در شهرستان بوشهر به شغل مقدس معلمی پرداختم. در سال های اول تدریس امکانات مدرسه فقط میز و صندلی و تخته کلاس بود و اثری از آزمایشگاه، امکانات ورزشی، کمک آموزشی و ... نبود. هر چند در بعضی از این مدارس به کمک همکاران امکانات آموزشی و ورزشی فراهم نمودیم که در نوع خود بی نظیر بود. به طور مثال در مدرسه راهنمایی گورک سادات با کمک مدیر مدرسه جناب آقای علی احمدی و سایر همکاران امکانات ورزشی از قبیل گود پرش طول، زمین هندبال، میله ی پرش ارتفاع، تنیس روی میز و همچنین امکانات آموزشی از قبیل آزمایشگاه و کارگاه حرفه و فن ایجاد کردیم.

– در اوایل تدریس خود با چه سختی های روبرو شدید؟

– اولین مشکل سال های اول تدریس عدم تجربه بود زیرا ما با یک مشت محفوظات و بدون هیچ توانایی وارد کلاس درس شدیم که این خود موجب بروز مشکلاتی می گردید. اما رفته رفته با مطالعه بیشتر و آشنایی با شیوه های تدریس این مشکلات را پشت سر گذاشتیم.

– معلمان هم دوره ای شما چه کسانی بوده اند و آیا خبری هم از آنها دارید؟

– در طی سی و شش سال خدمت آموزشی همکاران زیادی داشته ام که با بسیاری از آن ها رابطه ی دوستی صمیمانه ای بر قرار بود و تا کنون هم رفت و آمدی داریم چرا که به ضرورت شغلی بهترین دوستانم همکارانم بوده اند. همکارانی همچون مرحوم جلیل ماهینی، عبدالرحمن سیف، احمد سجادیان، مرتضی گله گیریان، حسین امیری، علی درخشانیان، حیدر پورحمزه، اسد الله انصاری، محسن کارگر، صفری نژاد، قاسم رضوان، محمود نکویی، عباس سلیمیان، نجات بوشهری، لطف الله صفری نژاد، قاسم چعبی، جمیل رزمی، مسعود سعیدی، داریوش پوربهی، محمود رستمزاد، غلام رضا مزارعی، نادر قربانی و بسیاری دیگر که اگر نام ببرم موجب اطاله کلام می گردد و اکنون هم با بسیاری از این عزیزان ارتباط تنگاتنگ دارم.

– در زمان معلمی شما روحیه دانش آموزان برای درس خواندن چگونه بود؟

– در سال های آغازین که در روستاها تدریس می کردم به سبب مشکلات خاص منطقه ای دانش آموزان انگیزه ی کمتری برای ادامه تحصیل و درس خواندن از خود نشان می دانند، اما سال های بعد که در مرکز استان به تدریس اشتغال داشتم به دلیل این که در مدارس خاص همچون نمونه و تیزهوشان و دبیرستان دانشگاه تدریس می نمودم دانش آموزان از انگیزه ی بالایی برای درس خواندن برخوردار بودند به طوری که این انگیزه ی آن ها ما را وادار به کار و مطالعه ی بیشتر می کرد. الان تعداد زیادی از این دانش آموزان از تحصیلات بسیار عالی بر خوردارند که مایه ی مباهات بنده هستند.

– آیا این درست است که معلمان آن موقع نسبت به معلمان کنونی بیشتر به تعلم و تربیت دانش آموزان اهمیت داده و وقت و دقت بیشتری را در تدریس به کار می گرفتند؟

– البته این مساله نسبی است، همان طور که قبلا گفتم ما معلمانی داشتیم که در تدریس سنگ تمام می گذاشتند و بر عکس بودند عزیزانی که نقطه ی مقابل آنها بودند، بنابراین این موضوع در سیکل زمانی خاصی نمی گنجد که معلمان آن دوره بهتر بودند یا این دوره. در هر دو دوره معلمان زحمت کشی بوده اند که قابل تقدیرند.

– یک خاطره خواندنی از زمان تدریس خود را بفرمایید؟

– در ایام هفته ی معلم بود. یک روز یکی از دانش آموزان که خیلی رابطه دوستانه ای هم با من داشت به نزدم آمد و گفت: «آقا کتاب گلستان دارید؟» گفتم: بله می خواهی برایت بیاورم. گفت: نه. بعد از چند روز به مناسبت روز معلم بسته ای به من هدیه نمود وقتی آن را باز کردم دیدم کتاب گلستان است. با به یاد آوردن گفت و گوی آن روز احساس کردم که الان در نزد او هدیه اش برای من بی ارزش است. فردای آن روز او را کناری کشیدم و گفتم: این نسخه گلستان را از کجا گیر آوردی؟ گفت: برای چه؟ گفتم برای این که من مدتی بود که دنبال آن می گشتم ولی پیدا نمی کردم و الان تو زحمت مرا کم کردی. با خوشحالی گفت: آقا واقعا. گفتم: واقعا و بعد از آن بود که برق شادی را در چشمانش دیدم.

– اکنون که به سال های گذشته نگاه می کنید، چنان چه در اول راه قرار داشتید آیا باز هم شغل معلمی را انتخاب می کردید؟

– نمی خواهم شعارگونه و کلیشه ای به این سوال پاسخ دهم، همان طور که قبلا هم گفتم من بدون هیچ عشقی وارد این شغل شدم ولی بعدها آنچنان عشقی نسبت به آن پیدا کردم که همیشه عمر واقعی خود را در سی و شش سال دوران تدریس می دانم و هنوز هم عاشقش هستم، اما اینک که بعد از سی و شش سال تدریس من و امثال من، باد به دست هستیم و مورد نکوهش فرزندان خود برای انتخاب این شغل، نمی دانم اگر امروز می خواستم شغلی برگزینم با تمام ارزش های معنوی و ایده آلی که در این شغل است و در هیچ جای دیگر دیده نمی شود، آیا باز هم گزینه ی اولم معلمی بود یا نه.

– به عنوان یکی از پیشکسوتان آموزش و پرورش چه سخنی با معلمان کنونی دارید؟

– من کوچک تر از آنم که بخواهم با همکاران گرامی و بسیار ارزشمند سختی داشته باشم فقط این را می گویم اکنون که این کسوت بسیار ارزشمند را بر تن نموده اید، فارغ از همه ی دغدغه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و آگاهی بخشیدن به دانش آموزان و تعلیم و تربیت آنها تا حدی که می توانید تلاش کنید به آنها درس زندگی و تمرین اعتراض و ... یاد دهید تا بتوانند از حق خود و دیگران دفاع کنند. اینها باورهایی بود که من در تمام دوران تدریسم به آن ها اعتقاد داشته ام و با تمام وجود پای بند آن ها بوده ام.

– به عنوان معلمی که سالها با دانش آموزان و کتب درسی سروکار داشته اید؟ شیوه های آموزشی موجود در مدارس را چگونه می بینید؟

– شیوه های آموزشی ما به طور کلی غیر کاربردی است و دانش آموزان پس از پایان تحصیلات هیچ مهارتی برای گذراندن زندگی نمی آموزند و در حقیقت تنها از سواد خواندن و نوشتن بر خوردار می شوند، که این امری غیر قابل انکار است، متاسفانه بعد از گذشت نزدیک به نیم قرن از شیوه جدید و نوین آموزشی و پرورش تغییر چندانی در شیوه های آن ایجاد نشده است.

– نظرتان درباره تنبیه دانش آموزان توسط برخی از معلمان و مدیران چیست؟

– در این که تنبیه بدنی در مدارس مطرود همه صاحبان نظران و کارشناسان و روان شناسان است هیچ شک و تردیدی نیست، اما اگر ما تنبیه بدنی را در مدارس حذف می کنیم که باید حذف شود، چه چیزی جایگزین آن کرده ایم که موجبات رشد و تعالی و بالندگی دانش آموزان را فراهم آورده باشد؟ متاسفانه در این سال ها می بینیم که ما در این زمینه از طرف دیگر بام افتاده ایم.

– برخی نیز معتقدند که یکی از دلایل بی اهمیتی دانش آموزان به درس خواندن، مسایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است. آیا دانش آموزان واقعا درک درستی از آنچه در جامعه رخ می دهد دارند و مسایل جاری جامعه تا چه اندازه می تواند در انگیزه درس خواندن آنها موثر باشد؟

– متاسفانه این امر تا حدودی زیادی صادق است وقتی می بینیم که به سبب سیاست های غلط اقتصادی و عوامل دیگر، عده ای بدون هیچ توانایی و دانش تحصیلات عالی، یک شبه راه صد ساله را پیموده اند دیگر انگیزه ای برای درس خواندن باقی نمی ماند، چون نسل کنونی در فکر این است که هر چه سریع تر و با صرف کمتر زمان و زحمت، به همه نیاز های مادی خود برسند که این رویایی بیش نیست. آن ها وقتی می بینند که عده ی زیادی از تحصیل کرده ها بی کار هستند، وضعیت معیشتی معلمان خود را می بینند، معلمانی که برای انتخاب شغل خود مورد نگوهش فرزندانشان هستند و مسایلی از این قبیل، موجب می گردد که دانش آموزان انگیزه ی چندانی برای تحصیل از خود نشان ندهند.

– اصولا غالب دانش آموزان چه درکی از آینده خود دارند و یادگیری علم و دانش را در چه مرتبه و اهمیتی از زندگی خود قرار داده اند؟

– اصولا غالب نسل کنونی در رویاهای دور و درازی به سر می برند که با واقعیت ها امروزی ما بسیاری فاصله دارد. آن ها در این رویا به سر می برند که یک شبه ره صد ساله را بپیمایند و این موضوع در نهایت موجب سرخوردگی بسیاری از آن ها می گردد. آن ها در ابتدا به علم و دانش به عنوان یک پارامتر اصلی برای شاختن آینده خود نگاه می کنند ولی به مرور این عشق و علاقه به علم و دانش برای ساختن آینده کم رنگ می گردد تا جایی که از زبان بسیاری از آنها شنیده می شود که چرا چند سال از عمر خود را صرف تحصیلات دانشگاهی کرده و از همان ابتدا وارد بازار کار نشدند تا اکنون باد به دست نباشند.

– البته برخی نیز انگشت اتهام را به سوی معلمان نشانه می روند و معتقدند که بسیاری از معلمان بدلایل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انگیزه لازم را برای تعلیم دادن نداشته و دلسوزی سابق را برای یادگیری دانش آموزان ندارند و با بی حوصله گی و دلسردی در سر کلاس حاضر می شوند. نظر شما در این باره چیست؟

– این امر شاید تا حدودی غیر منصفانه باشد. زدن قید بسیاری از معلمان به این سوال خیلی ظالمانه است و من معتقدم که درصد بسیار کمی از معلمان باشند که مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را بهانه ای برای کم کاری و تعلیم ندادن دانش آموزان قرار دهند و بیش از نود درصد این قشر زحمت کش و دلسوز، وقتی وارد کلاس درس می شوند تمام مشکلات خانوادگی، سیاسی و اقتصادی خود را پشت در جا می گذارند و تمام وجود خود را وقف تدریس و تعلیم و تربیت آن ها می کنند و هر چه دارند در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم می کنند.

چرا درب های مترو بسته نمی شود؟



سجادبهزادی

آدرس می پرسم. پیرمرد روزنامه فروش می گوید سوار مترو شوی زودتر به مقصد می رسی. اما من که عجله ای نداشتم. چرا پیرمرد فکر می کرد من باید زودتر به مقصد برسم. خیابان شلوغ بود. نصیحت پیرمرد را گوش دادم و بی آن که عجله ای داشته باشم مسیر مترو را برای رسیدن به مقصدم انتخاب کردم. حداقل برای من که در استانم هنوز مترو ای وجود ندارد جابجایی با مترو در تهران بزرگ خودش یک تنوع محسوب می شود. از بوق و سر و صدای ماشین ها و ترافیک هم راحت می شوی.

از پله ها با عجله پائین می روم. وقتی وارد راهرو مترو شدم، با هوای سردی برخورد کردم و آدم هایی که با عجله فقط حرکت می کردند بی آنکه به هم نگاه کنند. بوی خاصی به مشام می رسد. اینجا همه عجله دارند وهمدیگر را نمی شناسند. شانه به شانه هم می ایستند و منتظر صدای بوق مترو می مانند. انگار ترافیک در این زیر زمین کمتر از روی زمین نیست و البته آسمانی که دیگر پیدا نیست. در زیر زمین مترو غلغله ای برپاست. راستی چرا ما این همه عجله داریم. چرا این همه آدم این قدر با عجله از کنار یکدیگر می گذرند، با عجله سوار بر واگن ها می شوند و گاهی بر سر تاخیر و تعجیل دعوا راه می اندازند. وقتی درب های مترو باز می شود جمعیت بسیار فشرده داخل واگن ها می شوند چونان که به دیوار مقابل برخورد می کنند. در بسیاری از موارد هجوم جمعیت آن قدر زیاد است که درب های واگن های مترو بسته نمی شود. من هم صورت در صورت با فردی که به نظر می رسد تازه از سرکار برمی گشته است همه را به نظاره ایستاده ایم. معمولاً مسافران چشم به چشم همدیگر نگاه نمی کنند در حالی که حواسشون به یکدیگر است .

بی خیال ازهر چه اطرافم هست همه اش به این فکر می کنم که چرا درب های واگن ها بسته نمی شود، فکر می کنم ترافیک وعجله انسان ها می تواند یک دلیل آن باشد اما این ظاهرمسئله است. دلیلش باید خیلی مهم تر باشد و دوباره از خود می پرسم چرا درهای واگن های مترو بسته نمی شود؟ درب واگن ها چند بار می روند وبه مانعی برخورد می کنند و باز بر می گردد و باز درب ها بسته نمی شود. صدای فردی می آید که می گوید "آقا عده ای پیاده شوند تا در بسته شود". صدای جوانی با ابروهای باریک که می گوید "آدم باید زرنگ باشه وهر جور شده خودش را هل بده تو، من پیاده نمی شوم. من عجله دارم" با خود می پرسم چرا همه برای سوار شدن عجله دارند. نوبت بعدی مترو تنها یک ربع دیگر هست اما چرا کسی حاضر نیست در انتظار بایستد.

با خود فکر می کنم عجله کردن همواره جامعه ما را در حرکت قرار داده است اما آیا این حرکت می تواند توسعه زا باشد؟ این عجله کردن ها چه تاثیری بر روند مثبت برنامه های ما نخواهد داشت؟ نمی دانم چقدر درست فکر می کنم. بله عجله کردن همیشه آثار مثبتی همراه ندارد. به قول اندیشمندی که می گفت: "عجله تنها فرهنگ ناداشته ها نیست بلکه فرهنگ از دست دادنها هم هست و جامعه ای را به ما نشان می دهد که دائما نگران از دست دادن چیزهاست."درست که دقت شود گویی همه با استرس و عجله در انتظار مترو ایستاده اند لب تا لب سکوها. آنچنان خطرناک ایستاده اند که راننده مترو باید بوق بزند. اگر کسی بیفتد خدا می داند چه بر سرش می آید. چرا این همه عجله داریم.

می خواهم ایستگاه بعدی پیاده شوم. نمی خواهم بدانم آیا ایستگاهم درست هست یا نه. مهم نیست. مهم اینست که فشارها و ترس هایی که بر اثر ترافیک شدید بر بدنم وارد شده است را می خواهم کمی کاهش دهم. درب مترو باز می شود بعد از بازشدن دربها تنها ۶ ثانیه فرصت دارم که پیاده شوم. برای پیاده شدن نیز باید فشار زیادی تحمل کنی. اندام بدقواره ام را میان دست و صورت و پاهای مسافرین هل می دهم و بی اختیار به بیرون پرتاب میشوم. باورم نمیشود که پیاده شده ام. گوشه ای می نشینم. این طوری بهتر می شود به آدم های مترو فکر کرد. کمی آزادانه تر و آسوده تر آنها را نگاه می کنم و دوباره متروی می رسد و دوباره صحنه تکرار می شود و من باز با خود می گویم چرا درب های مترو بسته نمی شود؟ چرا پیرمرد فکر می کرد من باید باعجله حرکت کنم؟ پاسخ سوالم را با دیگری بنویسد. آنچه مسلم است این رفتارها برای جامعه ما نشانه خوبی نیست. احتمالا اتفاق مهم ونگران کننده ای افتاده است.

مسئولان قبل از بحران چکمه بپوشند و وارد عمل شوند

سعید رضائی

پس از بارندگی‌های هفته گذشته در استان بوشهر، بسیاری از مسئولان استان که خود را مسئول رسیدگی به مشکلات مردم می‌دانستند چکمه پوشیدند و برای رفع مشکلات و نیازهای مردم وارد عمل شدند ولی بهتر است مسئولان پیش از آغاز بحران‌های جدیدتر، چکمه بپوشند و برای پیشگیری از بحران‌ها وارد عمل شوند.

لایروبی کانال‌های دفع آب‌های سطحی، گشاد کردن پل‌ها و کانال‌ها و همچنین بازگشایی کانال‌ها و دهانه پل‌ها از جمله مهمترین اقداماتی است که می‌تواند در کوتاه‌مدت برخی از مشکلات را حل کند و مانع از ورود آب به معابر شهری شود.

ساخت سد، بند و آبگیر در مسیر روان‌آب‌ها و رودخانه‌های فصلی نیز از اقدامات زیربنایی است که نیازمند زمان طولانی‌تری برای اجرا است ولی اجرای آن می‌تواند علاوه بر ذخیره آب مورد نیاز برای کشاورزی و تقویت سفره‌های زیرزمینی، در پیشگیری از ورود سیلاب ها به شهر نقشی اساسی داشته باشد.

می‌طلبد که همه مسئولان با برنامه‌ریزی مناسب و مدون از همین امروز تلاش خود را برای شناسایی نقاط آسیب‌پذیر آغاز کنند و با طراحی و اجرای برنامه‌های هدفمند در راستای کاهش خسارات بلایای طبیعی گام بردارند.

بیگانگی دوربین های "رسانه ملی" با سیل دشتستان

ابراهیم رخش- برازجان

سیل هفته گذشته در استان در شرایطی بیشترین حجم تلفات و خرابی را برای دشتستانی ها به دنبال داشته که برنامه ریزان صداوسیمای استانی تلاش ملموس و قابل دفاعی برای نشان دادن فاجعه و انعکاس موثر آن در رسانه ملی به خرج ندادند

این سیل براساس آمار رسمی جان ۵ شهروند برازجانی را گرفت و بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان هم به منازل مردم، اراضی کشاورزی و تاسیسات زیربنایی خسارت زد و با خاموشی چند روزه در شهر برازجان، قطعی آب در برخی روستاها و آب گرفتگی منازل حادثه ای کم سابقه در استان رخ داد که مصداق فاجعه بود. با این حال صداوسیمای مرکز بوشهر تا چند روز پس از حادثه و اعلام اولیه مرگ ۴ شهروند، تنها در بخش های خبری و حاشیه گفتگو با مسئولان مرتبط، وضعیت دشتستان را پیگیری می کرد تا نهایتا تماس های انتقادی ساکنان این شهرستان – که گاه در برخی برنامه های رادیو و تلویزیون نیز منعکس شد- افاقه کرد و دوربین های صداوسیمای بوشهر به سمت فاجعه دشتستان چرخید.

با این حال گزارش های منعکس شده در صدا و سیمای استانی از فاجعه دشتستان نشان داد عدم آشنایی افراد اعزامی با جغرافیای شهرستان و محلاتی که حجم بیشتری از خسارت سیل را متحمل شده اند، مانع از انعکاس دقیق و واقعی تر مشکلات شد و این مشکل را باید به تاخیر در اعزام گروه برنامه سازی افزود. با این حال تصاویر منتشر شده در رسانه های مجازی بوشهر و دهان به دهان شدن مرگ چند شهروند برازجانی میان هم استانی ها، به نوعی غفلت و ورود دیرهنگام صداوسیمای مرکز استان به دشتستان پس از سیل را جبران کرد، اما گلایه خسارت دیدگان سیل دشتستان آنجاست که چرا رسانه ملی فاجعه دشتستان را به نمایش نگذاشت؟

باید مدیریت صدا و سیمای بوشهر این ضعف را بپذیرد که تعلل و عدم برنامه سازی مناسب جهت نمایش مشکلات عدیده ساکنان دشتستان پس از سیل، باعث شد شبکه های سراسری از فاجعه رخ داده بگذرند.

این در حالی است که انعکاس مناسب حادثه دشتستان در رسانه ملی می توانست زمینه همدلی بیشتر هم میهنان با خسارت دیدگان و جذب کمک خیرین جهت تسریع در رفع خرابی ها و کاهش آلام را به دنبال داشته باشد. از آن مهمتر می توانست تلنگری بر مسئولان درجه اول کشوری باشد و آنها را مجاب به ورود به ماجرا برای سرعت عمل در رفع خرابی ها نماید.



باید پذیرفت ضعف صدا و سیمای بوشهر در انعکاس دقیق فاجعه دشتستان و بسته شدن چشم رسانه ملی به اتفاق رخ داده در یکی از شهرستان های استان بوشهر، باعث شد مسئولان دسته چندم کشور، در استان ظاهر شوند و از مقامات بالاتر که برای پیگیری و رفع مشکلات اختیار بیشتری داشتند، خبری نشود. البته نباید از تذکر شفاهی نماینده دشتستان در صحن علنی مجلس در هفته جاری گذشت که تسلیت ابوترابی فرد نایب رییس مجلس در جلسه روز یکشنبه را در پی داشت و همچنین دستور لاریجانی برای پیگیری مشکلات از سوی کمیسیون عمران مجلس را به دنبال داشت. با این وجود اگر مشکلات از زاویه دوربین رسانه ملی به نمایش گذاشته می شد، در پیگیری مشکلات توسط مسئولان درجه اول اجرایی موثرتر بود.

چرا هیچ کس در این کشور به یاد دشتستان سیل زده نیست؟



خیلی جالب و عجیب است وقتی استان بوشهر که همه ادعا دارند یک استان بین المللی بوده و نفت و گازش جیب های دولت را یک تنه انباشه می کند و نیروگاه هسته ایش بر تارک ایران نورافشانی می کند و مسئولین رده بالای کشوری در طول سال بارها برای بازدید از مراکز اقتصادی و انرژی به سوی آن شتاب می کنند و سپس سینه را جلو داده و با غرور از افتخارآفرینی هایی که این استان برای آنها در عرصه های داخلی و بین المللی به بار آورده، منظومه سر می دهند و کنفرانس های مطبوعاتی برگزار می کنند، در مواقعی که همین استان و همین مردم به کمک های آنها احتیاج دارند، اخبار مصیبت های وارد شده بر این مردم بی یاور را حتی مرور هم نمی کنند.

دشتستان را آب با خود برد و مطابق آمار رسمی چند تن را به آرامگاه ابدی کشاند و پر واضح است که آمار غیررسمی بیش از آمارهای رسمی اعلام شده باشد، اما آب در دل یک نفر در این کشور تکان نخورد.

درست که این مردم معصومانه با تمام محرومیت های ناشی از سوء مدیریت تبعیض آلود مدعیان دولتی کنار آمده اند و در حالیکه می بینند و می فهمند، اما حرمت می گذارند و بزرگ منشانه سکوت را پیشه می کنند تا چوب لای چرخ مدعیان نگذارند اما چه کسی جز بی خیالان می تواند فریاد چنین انسان هایی را در گوشه ای از ایران اسلامی بشنود و داغشان را ببیند و به راحتی به آنها پشت کند؟

یا دولت بخاطر آب و هوای خوب پایتخت عمق فاجعه را در دشتستان درست برآورده نکرده یا کسانی در استان که در برابر این فاجعه مسئولیت داشته اند، به جهت ترس از تلف شدن پست ها و صندلی هایشان به تلف شدن سیل زدگان همشهری تن داده اند و اخبار کج و معوج را به مرکز گزارش داده اند که حتی در این صورت نیز فریادهای نماینده دشتستان در مجلس جای هیچ گونه چون و چرایی برای آنها باقی نگذاشته است.

شاید تنها جرم دشتستان این باشد که یک استان شمالی نیست که وقوع مصیبت در آن تفریحگاه مسئولان را به خطر انداخته باشد تا سریع، خیل خیل به بازدید از خسارت های وارده بشتابند و دستورات پیاپی جهت رهایی از بند مصیبت را برایشان صادر کنند.

انگار تعریف وقوع بحران در جای جای این کشور فرق می کند که وقتی در مازندران گاز قطع شده و یا در ورزقان زلزله می آید، شخص رییس جمهور سر صحنه حاضر می شود و دستورات اکید صادر می کند ولی وقتی در دشتستان سیل می آید به حضور مسئولین درجه چندم کشوری برای تهیه گزارش های بی حاصل اکتفا می گردد.

این رفتار اگر از سر عداوت با استان بوشهر نباشد بنابراین ناشی از این است که مردم این دیار را یا مسلمان بحساب نمی آورند یا ایرانی فرض نمی کنند و یا حتی شاید انسان نمی دانند که چنین آسوده پشت میزهای خود مشغول نوشیدن چای و نسکافه هستند و دشتستانی ها با خرابی ها، آوارگی ها و داغ از دست دادن عزیزان خود دست و پنجه نرم می کنند.

از شدت بی تفاوتی ها اکنون سطح توقع دشتستان و مردم سیل زده اش از نیاز به کمک و مدیریت مدیران تا سطح یک توجه کوچک و دیده شدن بعنوان مردمی گرفتار مصیبت در این کشور تنزل یافته و اگر این توقع نیز برآورده شدنی نیست، دیگر باید فاتحه مسلمانی را در آن دستگاه عریض و طویل داعیه دار خدمتگزاری با صدای بلند قرائت کرد.

اگر هنوز هم در دولت فریادرسی هست، اکنون وقت آن است که دلش برای دشتستان مصیبت زده بسوزد و در غیر این صورت این مردم شکایت خویش را به درگاه خدا خواهند برد تا او خود بین آنان و مسببان وضع موجود قضاوت نماید.

نقل از:بوشهر نیوز

اشتباهی که شورای شهر بوشهر همچنان تکرار می کند!

بابک رفعت

حیاتی ترین بخش در ارتباط با محیط زندگی اش و مهمترین نهاد در مورد آینده خود و فرزندانش همین شهرداری است که می تواند آرامش جسمی و روانی،سلامت پایدار و احساس رضایت و خشنودی از داشتن یک زندگی خوب را به یک شهروند تقدیم کند.

ولی در ارتباط با انتخاب شهردار همواره یک سهل انگاری غیر حرفه ای از سوی انتخاب کنندگان و یک مسامحه از سوی مردم صورت می پذیرد و همه ناآگاهانه نسبت به عواقب یک تصمیم اشتباه فقط به روش آزمون و خطای غیرتجربی بسنده می نمایند و فقط و فقط مبانی خوبیش را بر اساس امیدواری، بدون در نظر گرفتن حداقل استاندارهای مورد نیاز جهت اداره چنین بخش مهمی استنتاج می کنند.

در صورتیکه هر گاه اهمیت انتخاب یک شهردار تا مرز حیاتی بودن قضیه بالا رود هرگز انتخاب از روش های سنتی و



کلاسیک که متاسفانه در سراسر کشور بالاخص شهرهای کوچک مرسوم است به چنین پایه ای تنزل پیدا نمی کند.

اگر ظرفیت های شهرداری هرچند متعلق به یک شهر کوچک درست ارزیابی شود و بخش های درآمدزا، خدمت رسان و اشتغال زای آن بطور یکدست نگاه خود را از نگاه کوتاه مدت به نگرشی در بازه زمانی معین و روانشناسی مشارکت دادن مردم در اداره بخش های خارج از توانایی های شهرداری سوق دهد و هدف اصلی را تامین احساس رضایت ساکنان شهر در مسائلی که ممکن است آنها را از بعد روحی به یک شهروند متعهد مبدل سازد قرار دهد، اولین خشت اساسی توسعه پایدار شهری را درست پایه گذاری کرده است.

برای حصول به توسعه پایدار شهری اولین نیاز اساسی ثبات در سیستم برنامه ریز و اجرا کننده و همچنین ترسیم یک چشم انداز متناسب با سطح ظرفیت های شهر است که در این میان باید ابتدا سیاسی نگری و ترس از مدیریت افراد غیر بومی اما توانمند به کنار گذاشته شود.

از سوی دیگر باید حس رقابت میان عموم شهروندان به حدی برانگیخته شود تا با ایجاد یک رقابت فرضی میان پیشرفت شهر خود و شهری که در وضعیت بهتری نسبت به آنها قرار دارد و یا اندیشیدن تدابیری که سطح توقعات مردم را بالا زمینه همکاری آنها را با شهرداری در عملیاتی ساختن برنامه های فرهنگی و زیربنایی فراهم آورد.

در این میان جامع الشرایط بودن و دارا بودن پتانسیل در سطح شهردار بودن یک شهر بزرگ و توسعه یافته برای شهردار شدن منطقه ای که چنین هدفی را در سر دارد ضروری به نظر می رسد.

اما با توجه به انتخاب شهردار توسط شورای شهری که عموما از اعضایی تشکیل می گردد که دارای تخصص های ویژه در ارتباط با مدیریت شهری مدرن نیستند و بیشتر بر اساس همان اصول سنتی امیدواری و حسن اعتماد با بنیان های سست، به چنین انتخاب هایی دست می زنند عملا امکان رسیدن به برنامه ای منظم و مدیریتی پایدار و کارنامه ای درخشان برای هیچ شهری میسر نخواهد بود.

در این میان جای یک فیلترینگ کاملا کارشناسانه و اصولی خالی بنظر میرسد. جالب است وقتی می بینیم برای استخدام شدن بعنوان یک کارمند ساده انواع و اقسام امتحانات کتبی عمومی و تخصصی و مصاحبه صورت می پذیرد اما برای تصدی پست های ارشد مدیریتی تنها بر اساس سوابق پیشین که گاها کاملا غیر مرتبط نیز هستند اقدام می شود و سختگیری زیادی در این رابطه وجود ندارد.

این تضاد متاسفانه یک روش ناصیح فرهنگی است که می تواند آغاز بکار نسخ آن توسط شوراهای شهر صورت پذیرد و از تمام گزینه های مورد نیاز جهت تصدی سمت شهرداری ابتدائا برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت با تعیین سازکارهای اجرا، موانع و محدودیت ها و ابتکارات خود نامزد شهرداری را طلب شود و سپس گزینه های پذیرفته شده را در پیش روی عده ای کارشناسان صاحب دانش مدیریت شهری نشاند و در حضور مردم به نوعی او را استیضاح تخصصی پیش از آغاز فعالیت نمود و در نهایت هر کس را که در این میان مورد تایید قرار گرفت بر عمارت شهرداری حاکم ساخت.

اتفاقی که نه در گذشته صورت گرفت و نه اکنون در معرفی شهردار جدید بوشهر به وزارت کشور چنین رویه ای در پیش گرفته شد و باز باید بگوییم امیدواریم که هر کس شهردار بوشهر می شود بتواند کارنامه مطلوبی از خود برجای بگذارد و حسن اعتماد مردم را به خود جلب کند هر چند با یک روش غیر کارشناسانه بر سر کار آمده باشد.

عطر بهارنارنج‌های شهر جم هنوز به مشامم می‌رسد

رحیم جمالی - شهردار سابق جم



در هوای خاکستری پیش از غروب در میدان امام بودم. هوا رطوبت بدی دارد. مردم، مغازه‌ها و چراغ‌های روشن بی‌اعتنا به شرجی، سرگرم کار خویش هستند. شلوغی و ازدحام، ویژگی ساعت‌هایی از اطراف این میدان است. این کلنجار هر شامگاه تداوم می‌یابد تا سرانجام حدود همین ساعت که من در میدان هستم، روایح طبیعی و انسانی در معجونی یکتا که مشخصه‌ی شهرهای ماست با هم مخلوط می‌شوند. از دکه‌ی کنار میدان، روزنامه‌فروش، بسته‌ی اشتراک روزانه‌ام را دستم می‌دهد و پیاده به سمت خانه به راه می‌افتم. در پیاده‌روهای خلوت خیابان، ذهنم تا دوردست‌های اینجا به پرواز در می‌آید... هر روز، این ساعت من کجای جم بودم؟ افکارم به گوشه‌های مختلف این شهر دور سرک می‌کشند... پرسه در بازار شهرداری که مانند کودکی نیاز به مراقبت دارد... محله‌های تازه ملحق شده‌ی بلوار فرودگاه و چانه‌زدن با مردمی که از خاک خوردن به تنگ آمده‌اند... دویدن در کنار زمین چمن از ترس سکته‌ای که دکترم بارها نویدش را داده است... یا بالای بادگیر تپه‌ی چگاسه و زل زدن به بچه‌هایی که از تاب و سرسره‌ها بالا و پایین میروند... غروب‌های من در جم اینطور می‌گذشت و تقریباً در ۵ سال گذشته در این جور مکان‌ها رویت شده‌ام.

بعد از ۵ سال، زندگی برای من جور دیگری آغاز شده است. اما خاطرات تلخ و شیرین در این شهر نجیب گمان نمی‌کنم به سادگی مرا رها کند. اولین بار که به جم آمدم سال۱۳۸۰بود. آن سال‌ها من از شهرهای استان بازدید می‌کردم و در قالب فرم‌هایی مشخصات شهرسازی هر شهر را به استاندار وقت گزارش می‌کردم. (این یادداشت برداری‌ها را بعدها تبدیل به کتابی درخصوص شهرهای استان کردم.) کافیست چشمانم را ببندم و راجع به آن سفر فکر کنم، آنوقت عطر بهارنارنج‌ها به مشامم می‌رسد. همچنین باغستان‌ها و فضاهای سبزی که همه‌ی این سال‌ها به من آرامش می‌داد. آن دیدار، فصل جداگانه ایست... در کنار زیبایی‌های طبیعت، فضای شهری جم را برازنده‌ی قامت این شهر

اولویت‌های من بود. در این سال‌ها هر سنگی که بر سنگی می‌نشست مرا عمیقاً خوشحال می‌کرد. در شهرهای استان ما، که راه‌های نرفته‌ی فراوانی وجود دارد هر کار عمرانی رفاه بیشتر مردم را به دنبال خواهد داشت. امروز می‌توانم با افتخار عنوان نمایم، شهر جم در سال‌های حضور من و با کمک تک تک اعضاء شورای اسلامی شهر و پرسنل زحمتکش شهرداری، تغییرات شگرفی به خود دید و از شهری کوچک، آرام آرام به شهری نسبتاً متوسط در استان تبدیل شد. در این تحولات که خوشبختانه هنوز هم ادامه دارد نقش شهرداری حائز اهمیت فراوان است

ندیدم. این لباس کوچک در حد و قواره‌ی جم نبود.

همیشه اعتقاد داشته و دارم و در مصاحبه‌های سال‌های گذشته نیز تکرار نموده‌ام، که جم توانایی رسیدن به شهری با کارکردهای متعدد را خواهد داشت. این دیدگاه را در انجام پروژه‌های مختلف مانند عاملی قاطع و اثرگذار در بالای سر خود احساس می‌کردم و سعی می‌نمودم در امور اجرایی شهر به‌خصوص شبکه‌های معابر جدید این باور خدشه‌دار نشود.

کار من به‌عنوان شهردار جم در تاریخ ۱/۵/۸۶ با کار زیاد آغاز گردید. اولین پروژه بلوار ولی‌عصر(عج) بود که امروز بلواری ارزشمند محسوب می‌شود و به‌طور همزمان کار احداث بلوار تپه‌ی چگاسه با ماشین‌آلات شهرداری بود. زیرا پیمانکاران به خاطر حجم بالای کار پول‌های زیادی را ازشهرداری بی‌پول طلب می‌کردند و انجام کار به صورت امانی بسیار مقرون به صرفه بود. توسعه‌ی شبکه‌های شهری جدید، ایجاد و توسعه‌ی فضاهای شهری و توانمندسازی شهرداری، و تحرک شهرداری،توسعه شهر و شهرستان را دامن زد.

توسعه‌ی فضاهای سبز حتی در محلات با احداث پارک‌های محله‌ای، احداث پارک‌های چگاسه که فضاهای جدیدی را به شهر عرضه نمود، پارک پردیس با طراحی‌های جدید، پل علی‌آباد، احداث میدان بهارستان با المان زیبایش که نوید دهنده‌ی جم جدید و مدرن در آینده خواهد بود، بلوار ولی‌عصر(عج) از ورودی شهر تا نیروی انتظامی، با عرض زیاد که فضاهای جدید و زیبایی را در طول مسیر به شهر ما اضافه نمود، احداث بلوار گاز، ایده‌ی تبدیل و یک طرفه نمودن خیابان‌های ساحلی، تعریض پل مرکزی شهر و ساماندهی آن و تبدیل بستر رودخانه به پارکینگ و احداث دوربرگردان‌ها، همه بر اساس ایده‌های از پیش اندیشیده شده بود. رایانه‌ای نمودن کلیه‌ی امور شهرداری و پرهیز از کار دستی از سال نخست خدمت و ارتقاء این شیوه‌ها همزمان با شهرداری‌های بزرگ و به روز کشور، همچنین طراحی و اجرای بازار بزرگ شهرداری که تا سال‌ها در



سطح شهرداری‌های استان به‌عنوان پروژه‌ای بی‌نظیر باقی خواهد ماند و ثروت هنگفتی که با احداث آن نصیب شهرداری گردید. ساماندهی و تملک ۵۳ هکتار اراضی با ارزش برای دفن بهداشتی زباله شهر که تا سال‌های دور آینده شهر نیز کافی خواهد بود، همچنین کارخانه آسفالت شهرداری، بخشی از فعالیت های شهرداری در ۵ سال گذشته بود. در حالی که بودجه‌ی فقیرانه‌ای در همه‌ی این سال‌ها داشتیم و بی‌پولی همیشه دامن‌گیر ما بود.

من در سن ۳۵سالگی وارد جم شدم و درآستانه‌ی ۴۱سالگی جم را ترک نمودم.

یعنی گذار از جوانی به میان سالی را در این شهر تجربه نمودم و سفید شدن موها را با دغدغه و استرس‌های همیشگی‌ام در این شهر دیدم. روزی که وارد شهرداری شدم به لحاظ جسمی بسیار سالم بودم اما تا آخرین روزهایی که بعضی دوستان به دنبال جانشین برای من، شبانه در خانه‌ها را به صدا در می‌آوردند و هرگز از دکتر رفتن‌های مداومم، سراغی نمی‌گرفتند، روزانه تا ۹ قرص چربی و دیابت که محصول فشار شدید کاری و محیط پر استرس بود مصرف می‌نمودم.

امضای حکم شهرداری من در ۸۶/۵/۱ نیز حکایت خودش دارد. زیرا تاریخ شهادت برادر بزرگ من در غرب کشور، ۶۲/۵/۱ است. عدد ۶۲ نیز با ۶۲ ماه حضور من در جم بدست می‌آید. این قرابت اعداد هرچند به‌طور اتفاقی، ناظر بودن و نگاه نگران شهداء را بر امور و اعمالمان تفسیر می‌نمایم. تا امروز که نزدیک به سه ماه از پایان کارم در شهرداری می‌گذرد، به جز تعدادی از اعضاء شورای شهر که همیشه سنگ صبورم بودند، کسی از من تشکری هم ننمود. و در شهری که به هر بهانه‌ای سمینار تقدیر و تشکر برگزار می‌شود، به سرعت بادهایی که از سمت پدری می‌وزد، شهردار دیروز را به خاطرات سپردند. شهرداری که بدون معارفه آمد! بعد از سال‌ها تلاش و شریک بودن در غم و شادی‌های مردم این شهر، بدون خداحافظی هم رفت. هرگز در اینجا قصد گلایه و شکایتی ندارم، زیرا هدف همیشگی من در سال‌های خدمت، آبادی بیشتر کشور اسلامی‌مان و به خصوص استان عزیزمان است، که سال‌ها طعم محرومیت را چشیده‌اند و وظیفه‌ی همه‌ی دولت‌مردان است که در زمانی که عرصه خدمت‌گزاری فراهم می‌شود، این فرصت‌های کوتاه و زودگذر را بدون هیچ منّت و انتظاری غنیمت شمارند. در این شهر یادگارهای ارزشمندی باقی است که خوشحالم در کنار همه عزیزان حاضر در آن مقطع زمانی، من نیز سهمی داشته‌ام.

بر خود لازم می‌بینم آرزوی موفقیت بیشتر نمایم برای همکارانم در شهرداری جم به خصوص شهردار جدید که صادقانه مسئولیت اداره‌ی شهر را با دشواری‌های زیاد به دوش می‌کشند، همچنین آرزوی توفیق بیشتر نمایم برای دوستانم در شورای شهر که مرا به جم کشاندند و همیشه پشتیبانانی مهربان و صبور بودند. در آخر از مردم شریف و نجیب جم به سبب اشتباهات و کارهای نکرده عذرخواهی و طلب حلالیت می‌نمایم.

در غم ما روزها بیگاه شد
روزها با سوزها همراه شد
روزها گر رفت گو:رو باک نیست
تو بمان ای آنکه چون تو پاک نیست

منبع: سایت چگاسه

دشتستان، همچنان گرفتار سیل مرگبار

با وجود گذشت چندین روز از بارندگی‌های اخیر در شهرستان دشتستان، بخش‌های سیل‌زده در شهر برازجان هنوز وضعیت مناسبی ندارند و در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند.

به گزارش خبرنگار مهر، با آغاز بارندگی‌ها در استان بوشهر و به ویژه شهرستان دشتستان که قطب اول کشاورزی استان بوشهر است و هشت سال را در خشکسالی به سر برده بود، موجی از شادمانی و خوشحالی در بین مردم و به‌ویژه فعالان عرصه کشاورزی ایجاد شد و نوید سالی نیکو را می‌داد.

بارندگی‌ها تداوم داشت و لحظه به لحظه به شدت آن افزوده می‌شد و با افزایش میزان بارش‌ها و جاری شدن روان آب ها و ورود آب‌های جاری از کوه‌های اطراف شهر به داخل خیابان‌ها، نگرانی‌های مردم و خطرات این بارندگی‌ها بیشتر شد.

بارش بی‌سابقه باران در شهرستان دشتستان و برازجان به حدی شدت داشت و تداوم یافت که اغلب خیابان‌های شهر برازجان به یک مسیر رودخانه‌ای تبدیل شد و روان آب‌ها به راحتی وارد خانه‌های مردم شد.

هم‌اکنون که بیش از یک هفته‌ای از بارندگی‌های شدید در این شهر می‌گذرد، هنوز شرایط بحران در بسیاری از مناطق این شهر دیده می‌شود و مردم این مناطق در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برند.

شهروندان سیل‌زده برازجانی وضعیت مطلوبی ندارند

سهیلا محمدخانی عضو و سخنگوی شورای شهر برازجان در گفتگو با خبرنگار مهر به تشریح وضعیت شهر برازجان پس از بارندگی‌ها پرداخت و با اشاره به بازدید خود از مناطق سیل زده شهر برازجان اظهارداشت: متاسفانه وضعیت بسیار نامطلوبی را در این بازدید مشاهده کردم و این وضعیت بر روی روح و روانم نیز تاثیر گذاشته است.

وی به وضعیت نامناسب مناطق سیل‌زده اشاره کرد و بیان داشت: شهروندان در مناطق سیل‌زده در وضعیت اسفناکی به سر می‌برند و لازم است که برای پیشگیری از بروز چنین وضعیتی تلاش های بیشتری صورت بگیرد.

محمدخانی ادامه داد: متاسفانه آب به داخل بسیاری از خانه‌ها نفوذ کرده و بسیاری از وسایل منازل همچنان گل‌آلود است و مردم شرایط مناسبی برای ادامه زندگی خود ندارند.

وی خاطرنشان ساخت: با توجه به نفوذ سیلاب به داخل خانه‌های مردم هنوز بسیاری از خانه‌ها مشکل دارند و تنها توانسته‌اند فضای اندکی از خانه‌های خود را برای سکونت و خواب فرزندانشان آماده کنند و بسیاری از لحظات شب و روز را بیرون از خانه‌ها می‌گذرانند و با روشن کردن آتش خود را گرم نگه می‌دارند.

سخنگوی شورای اسلامی شهر برازجان به تلاش‌های صورت گرفته برای رفع این مشکلات اشاره کرد و اضافه کرد: نیروهای امدادی هلال احمر و بسیجی و ... پس از بارندگی‌ها تلاش‌های بسیار زیادی برای رفع مشکلات مردم و کمک به شهروندان انجام داده‌اند و این تلاش‌ها پاسخگوی نیازها نیست و همه دستگاه‌ها باید همچنان برای رفع نیازهای مردمی تلاش کنند.

گشنه می‌خوابیم ولی مشکلات ما اساسی حل شود

حمید ملک‌پور از شهروندان برازجانی که خانه



وی در جریان حادثه سیل در برازجان دچار آب‌گرفتگی شده بود در گفتگو با خبرنگار مهر با تشریح وضعیت زندگی خود اظهار داشت: متاسفانه در روزهای گذشته یک لحظه هم نتوانسته‌ایم بخوابیم و همواره گرفتار مشکلات بارندگی‌ها بوده ایم.

وی با تقدیر از تلاش‌های صورت گرفته از سوی دستگاه‌های دولتی و نهادهای مردمی برای رفع نیازهای شهروندان سیل‌زده، اضافه کرد: نیاز ما تنها گرفتن مواد غذایی و پتو و چادر از سوی هلال احمر و دیگر نهادها نیست و امیدواریم کار به صورت ریشه‌ای حل شود.

این شهروند برازجانی تصریح کرد: نگرانی ما و دیگر شهروندانی که در خطر وقوع سیل قرار داریم، تکرار مجدد این وضعیت است و امیدواریم مسئولان تلاش کنند تا مشکلات ما به صورت اساسی حل شود و دیگر شاهد بروز چنین وقایع تلخی نباشیم.

هادی دهقان یکی دیگر از شهروندان برازجانی نیز به خبرنگار مهر گفت: متاسفانه زیرساخت‌های مورد نیاز شهر همزمان با توسعه و گسترش وسعت شهر رشد نیافته است و همین نقص در زیرساخت‌ها سبب شده تا چنین مشکلاتی برای شهروندان ایجاد شود.

وی با تاکید بر ضرورت توسعه زیرساخت‌ها به ویژه برای مقابله با روان‌آب‌ها و سیلاب‌های فصلی، ادامه داد: مسئولان باید از همین امروز برای جلوگیری از بروز مشکلاتی از این دست تلاش کنند و نه این که بعد از بروز مشکلات بخواهند وارد عمل شوند.

ضرورت تشکیل ستاد پیشگیری و پیگیری بحران به جای مدیریت بحران

سخنگوی شورای اسلامی شهر برازجان به خبرنگار مهر گفت: پس از بروز مشکلات ناشی از این بارندگی‌ها ستاد مدیریت بحران در نقاط مختلف استان تشکیل شد و در دشتستان نیز این ستاد به رفع مشکلات مردم پرداخت ولی کاش به جای ستاد مدیریت بحران، ستادی با عنوان پیشگیری و یا پیگیری بحران تثبیت و تشکیل می‌شد.

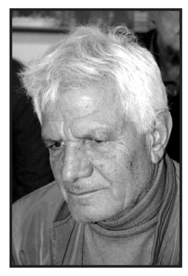
وی افزود: متاسفانه از سال‌های قبل تلاشی برای توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز برای دفع روان آب‌ها و سیلاب‌های فصلی در شهر برازجان صورت نگرفته است و هم اکنون که با بارندگی شدید مواجه شده‌ایم، با این مشکلات روبرو می‌شوم.

محمدخانی با فاجعه‌آمیز خواندن وضعیت زندگی مردم در مناطق قدیم و سیل‌زده شهر برازجان، ادامه داد: رفع نیازها و مشکلات مردم نیازمند اقدامات اساسی است و مردم تنها به پتو و بخاری نیاز ندارند بلکه باید یک کار اساسی و زیربنایی انجام شود.

وی تصریح کرد: مسئولان ارشد استان و مسئولان شهرستان باید اعتبار ویژه‌ای را برای توسعه زیرساخت‌ها اختصاص دهند و با ایجاد زیرساخت‌های مناسب از جمله ایجاد، تکمیل و بهسازی دیوارهای حفاظتی در مقابل سیلاب‌ها و بازگشایی دهنه پل‌ها و بهبود وضعیت آنها، مخاطرات بارندگی‌های آینده را کاهش دهند.

محمدخانی از تلاش‌های صورت گرفته توسط نهادهایی همچون شهرداری، بسیج و سپاه، فرمانداری، راه و شهرسازی، اداره برق و ... تقدیر کرد و بیان داشت: دستگاه‌های مرتبط با بحث بحران تلاش بسیار خوبی در زمینه رسیدگی و رفع مشکلات شهروندان داشتند که لازم است از انها تقدیر کنیم.

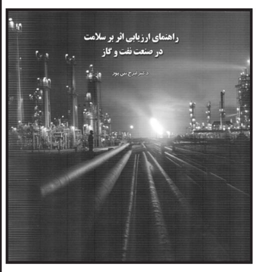
چشم اندازی بر: راهنمای ارزیابی اثر بر سلامت در صنعت نفت و گاز



ناصر علیخواه

پیشرفت صنایع و تکنولوژی امروزه در جهان با سرعت سرسام آوری در نوآوری بقدری در تنوع پذیری متحول شده که باور کردنش نسبتا قدری تامل برانگیز است و در حقیقت نیروی انسانی را تابع و در تسخیر خود در آورده است.

بنابراین بحث و بررسی در زمینه ی پر شتاب صنعت و در هم تنیدگی آن تار و پود زندگی فیزیکی، اجتماعی و زیست محیطی انسان موجب شده است که به پتانسیل اثرات ناخواسته صنایع گوناگون در زوایای زیست محیطی و اجتمای بیشتر و بهتر نگریسته شود تا با اثرات مخرب آن کمتر مواجه شویم، اثرات مخرب صنعت بر محیط زیست به صورت پیوسته تا پروژه ها، طرح ها و برنامه های در دست اجرا همراه با معضلات است که حاصل آن بیماری های مزمن و گاهی ناامید کننده که نتیجه آنکه شاهد مرگ و میر انسانی در مناطق مختلف صنعتی هستیم.



چهره علمی و ارزشمند استان و کشورمان دکتر ایرج نبی پور با خدمات خداوندی همراه به تحقیق و بررسی و کشف عارضه های مختلف، اکثر وقت خود را به تحقیق و بررسی در زمینه های مختلف خصوصا محیط زیست گاز و نفت و جانوران دریای می پردازد و در این زمینه شاهد چاپ کتابهائی از وی در این زمینه بوده ایم از جمله: بررسی جلبک های دریایی خلیج فارس، نقش ایمنی تکنولوژی در کاهش مرگ، اقتصاد و دانائی محور، آینده نگاری و فناوری، ابزار بررسی توسعه پایدار و اثرات ناخواسته آن در جامعه و... می باشد که در دسترس علاقمندان، دانشجویان و دانشگاها و موسسه های آموزش های عالی قرار داده که اعم از داخل و خارج از کشور مورد استفاده قرار گرفته است که این کتب و تحقیقات افتخار آفرین برای مردم استان و کشور از اهمیت بالای برخوردار است.

به تازگی کتاب ارزشمند «راهنمای ارزیابی اثر بر سلامت در صنعت نفت و گاز» که حاصل تحقیق حوزه میدانی است توسط دکتر تیرج نبی پور با همکاری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات و درمانی بهداشتی بوشهر در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است.

این کتاب شامل سه بخش تاثیر گذار همراه با سر فصل های مختلف از جمله: پیش گفتار در زمینه توسعه صنعت نفت و گاز و اهمیت آن ... است.

فصل اول: رخ نمائی از ارزیابی اثر بر سلامت که خود شامل ۹ بخش می شود از جمله: چیستی (HIA) تعیین کننده های سلامت و مهارت های مورد لزوم و ...

فصل دوم: فرایند (HIA) که شمال ۲۲ بخش می شود: رویکرد غربال گرایانه، گرد آوری تجربیات پیشین و ویژگی مکانی پروژه و ...

فصل سوم: پیوست ها و سلامت، آلودگی صوتی و نور و سلامت روانی و ...

در کسوت فرهنگ مداری، مطالعه و بررسی آن را به علاقمندان رشته گاز، نفت و محیط زیست توصیه می کنیم.

استخدام پتروشیمی در عسلویه و مشکل نبود مراکز آموزش عالی

نایبند: شما بر چه اساسی بومی ها را به ثبت نام استخدامی تشویق می کنید مگه نمی دانید تمام مردم منطقه بیسوادند! من ۴ سال پیش با مدرک دیپلم در فضای سبز منطقه ویژه کار می کردم ولی به دلیل برخورد تحقیرآمیز بعضی کارکنان غیربومی، تصمیم گرفتم لیسانس بگیرم شاید شغل بهتری پیدا کنم، ولی حالا با مدرک لیسانس دانشگاه پیام نور عسلویه وقتی برای استخدام مراجعه کردم گفتند تو رشته ات نامرتبط است و مدرکت پیام نوره!

سوالم این است که آیا تمام کارکنان منطقه اصلا مدرک تحصیلات دانشگاهی دارند که این قدر برای ما بهانه تراشی می کنند؟ غیر از اینکه خیلی از آنها با پارتی آمده اند.

اما تقاضام از جوانان و سایت های اینترنتی عسلویه این استکه در تمام نامه هایی که به ریاست جمهوری و نماینده مجلس می فرستید حتما تقاضای تاسیس مراکز دانشگاهی و آموزشی (مانند دانشگاه آزاد اسلامی، یا پردیس بین المللی، دانشگاه خلیج فارس بوشهر) داشته باشید تا آقایان دیگر برای ما دلیل و بهانه نیاورند.

چرا در کنار این همه صنایع پتروشیمی نباید یک مرکزآموزشی باشد که حداقل نیروهای بومی آموزش ببینند و استخدام شوند؟ آیا عسلویه ارزشش به اندازه کیش (صرفا جزیره سیاحتی گردشگری) نیست طوری که در این جزیره ۵ مرکز آموزشی (مرکز بین الملل آزاد اسلامی / پردیس دانشگاه تهران / پردیس دانشگاه صنعتی / مرکز بین الملل پیام نور) وجود دارد، ولی عسلویه که هم پایتخت اقتصادیست و هم مرکزی سیاحتی با وجود جنگل زیبای نایبند، حتی یک مرکز آموزش وجود ندارد. (یکی از جوانان عسلویه)

نسیم جنوب
ورزشی
شماره ۶۸۴ - یک شنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

شاهین بوشهر کنار کشید

تیم شاهین بوشهر از رقابت های جام حذفی فوتبال کنار کشید. به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ به دنبال تغییرات مدیریتی در شاهین بوشهر و انتخاب سرمربی جدید برای آماده سازی تیم در تعطیلات نیم فصل، مدیران این باشگاه از حضور در جام حذفی انصراف دادند. شاهین بوشهر در دور اول رقابتها باید در تهران با راه آهن روبرو می شد. این تیم ششمین تیمی است که از جام حذفی کنار می کشد. قرار بود تیم شاهین جمعه ۲۴ آذر ماه در مرحله یک شانزدهم نهایی جام حذفی با تیم راه آهن تهران بازی کند که با این شرایط، صعود راه آهن به مرحله بعدی بدون دردسر شد. البته هنوز باشگاه شاهین انصراف رسمی خود را به سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال اعلام نکرده است.

۵ گزینه برای مدیرعاملی شاهین!

با رفتن دلفانی از شاهین تلاش ها برای انتخاب مدیرعامل جدید شاهین آغاز شده است. لیست نفرات پیشنهادی جهت مدیرعاملی شاهین که به خواجه پور اعلام شده عبارتند از:
۱- حاج حسین وردیانی (مدیرکل سابق تربیت بدنی). ۲- محمد نجفی (مدیر عامل عامل سابق شاهین و کارمند استانداری). ۳ - محمد سیدزاده (مدیر حوزه هنری). ۴ - فولاد همرایان پور (کمیته انضباطی هیات فوتبال استان). ۵- امیرحسین محتشم (مدیرکل استاندارد)منبع:فوتبال بوشهر

مرخصی حسین ماهینی از تیم ملی

وحید اسماعیل بیگی از سوی کارلوس کی روش به اردوی تیم ملی دعوت شد. به گزارش سایت رسمی فدراسیون فوتبال، حسین ماهینی که به اردوی تیم ملی دعوت شده بود، به جهت مشکلات شخصی از کارلوس کی روش سرمربی تیم ملی ایران برای حضور در اردوی آتی تیم ملی مرخصی گرفت و به همین دلیل کی روش وحید اسماعیل بیگی بازیکن تیم مس کرمان را به اردوی تیم ملی دعوت کرد.

محمدپور هم استعفاء کرد

مهرداد محمدپور از سمت ریاست هئیت مدیره باشگاه شاهین بوشهر استعفاء کرد. به گزارش شاهین بوشهر دات آی آر، وی که پیش از این سابقه مدیر عاملی سفید پوشان بوشهری را هم در کارنامه داشت رسماً از سمت خود استعفاء کرد. شایان ذکر است مهرداد محمدپور در نامه ای سه صفحه ای متن استعفاء خود را تقدیم هئیت موسس باشگاه شاهین بوشهر کرده است. از نکات جالب متن استعفاء وی می توان به این قسمت اشاره کرد. "به صراحت اعلام می دارد امروز شاهین در شرایط وخیمی به سر می برد. همانگونه که در اولین مصاحبه خود پس از تحویل گرفتن باشگاه در نیمه دوم سال نود در صدا و سیمای مرکز استان بوشهر(برنامه نشان) اعلام شد که شاهین در سی سی یو ورزشی به سر می برد"

گشنی برگشت،خسروی هم شاید بیاید

ایرانجوان برای رسیدن به لیگ برتر تلاش بسیاری دارد. این تیم برای تقویت خود در نیم فصل برنامه های خوبی دارد و در اولین اقدام زمینه بازگشت صادق گشنی را فراهم کرده اند. او از پیکان به تیم سابقش برمی گردد تا یاری رسان سرخ پوشان بندر باشند. همچنین خبر می رسد احتمال دارد حسین خسروی هم با جدایی از فجر سپاسی باردیگر پیراهن این تیم بوشهری را بر تن نماید.

پالیزدان سرمربی جدید شاهین بوشهر:

بین نابودی شاهین و بقا در دسته اول، دومی را انتخاب کردیم

اگر ورود نمی کردیم انحلال شاهین قطعی بود

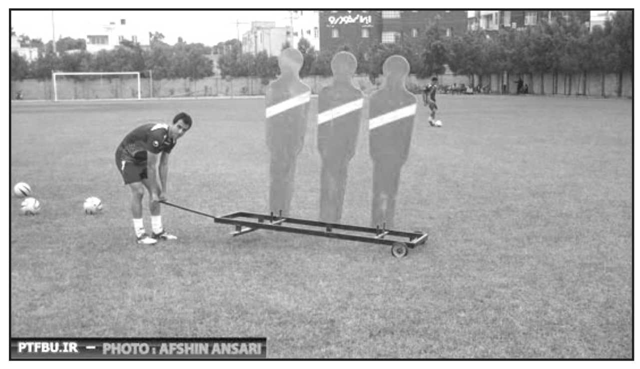


سرمربی جدید شاهین بوشهر از جذب اسپانسر خبر داد. مسعود پالیزدان در گفت و گو با پایگاه تخصصی فوتبال بوشهر گفت:برای خدمت به مردم و ادای دین به آنها به شاهین برگشتم و نامهربانی ها را فراموش کرده ام. تنها دلگرمی ما همین مردم هستند و توقع دارم واقع بینانه به مسائل نگاه کنند و کنار ما باشند.

او ادامه داد:با مذاکراتی که با مهندس افراشته و خواجه پور داشتم کار را در دست گرفتم و همین جا از همه بزرگان و اساتید و پیشکسوتان رخصت می طلبم و منتظر راهنمایی های آنها هستم.امروز(سه شنبه) به صورت حضوری و تلفنی حدود ۱۵ساعت با بازیکنان حرف زده ام. قرار شد به خاطر تنگناهای مالی به برخی از آنها رضایت نامه بدهیم.

وی تصریح کرد: اسپانسری که از دوستان خودم است و با پیگیری خودم آمده ،وارد کار شده و تا قبل از بازی با شهرداری اراک درصدی را به تیم تزریق می کند و در تعطیلات نیم فصل هم پرداخت ها را به ۳۰ درصد می رسانند. شرایط بسیار سختی داریم و به هین دلیل قرار شد چند بازیکن که رقم قراردادهایشان بالاست از تیم جدا شوند اما اکثر بچه ها می مانند. تلاش داریم بازیکنان جوان بومی را جایگزین آنها نماییم.

پالیزدان افزود: بین نابودی شاهین و بقا در دسته اول ما دومی را انتخاب کرده ایم و صادقانه به همه بگوییم که اگر ورود نمی کردیم انحلال تیم قطعی بود و بچه ها حاضر نبودند به تمرینات بیایند.با این شرایط نمی توان توقع صعود داشت و حفظ ماهیت تیم مهمتر است هر چند مثل همه تیم ها نیم نگاهی هم به صعود داریم اما اولویت ما بقای شاهین در دسته اول است.اگر کسی راه بهتری سراغ دارد در خدمتش هستیم.ما با صدر فاصله نسبتا" زیادی داریم و باید واقعیت ها را پذیرفت. هواداران گرفتار حواشی نشوند و بدانند هیئت فوتبال و متولیان آن به همراه اداره کل ورزش و جوانان یار ما هستند ودر کنار ما قرار دارند.



PTFBU.IR – PHOTO : AFSHIN ANSARI

وی خاطرنشان ساخت: هواداران نسبت به تیمشان تعصب زیادی دارند و این تعصب گاهی به قضاوت های غیر منصفانه در مورد افراد منجر می شود. بازیکنان شاهین را شریف ترین بازیکنان می دانم ولی آنها از نحوه برخورد برخی هواداران دلخور هستند. آنها هم زن و بچه و زندگی دارند و نمی توان توقع داشت بدون پول بازی کنند. همین که ۸ هفته بازی کردند و حرفی نزدند نشان از تعصب شان دارد. کمی خودمان را جای آنها قرار دهیم. با این شرایط کاری نکنیم که کسی سراغ شاهین نیاید. من که از نزدیک با آنها کار کرده ام دست همه شان را به گرمی می فشارم و از آنها ممنونم. در تعصب آنها نباید ذره ای تردید کرد. آنها اعتصاب هم کردند اما در استان کسی به کمک تیم نیامد اگر می ماندند هم اوضاع بدتر می شد که بهتر نمی شد. بازیکن اگر از لحاظ روحی روانی آماده نباشد در زمین کارآیی ندارد.

او درپایان اظهار داشت:برای موفقیت تیم بسیج عمومی لازم است و امیدوارم بستر این کار فراهم شود.

آرامش موقت در شاهین



PTFBU.IR – PHOTO : AFSHIN ANSARI

داستان همان داستان چند روز پیش بود. بازیکنان ساز مخالف کوک کرده بودند و همه دم از جدایی می زدند. آنچه پالیزدان در نظر داشت که می خواست با جدایی توافقی چند بازیکن و کسر رقم قرارداد سایر بازیکنان بودجه تیم را تا سقف یک و نیم میلیارد ببندد ناممکن می نمود. هیچکس حاضر نبود بماند. پالیزدان برای جلب رضایت آنها کار سختی داشت. تفکیک رفتنی ها و ماندنی ها از هر کاری سخت تر بود. عاقبت حسن هوری و میثم امیری همه را جمع کرده و به بازیکنان گفتند کسانی که می دانند اگر جدا شوند می توانند به تیم دیگری با شرایط مالی بهتر بروند بحث شان جداست اما اگر قرار است بروید خانه نشین شوید یا در یک تیم با اوضاع مشابه باشید حداقل همین جا بمانید و دل مردم و هواداران را نشکنید.

حرف ها اثرگذار بود. سعید خانی و دانشیان و نعمتی طی مذاکره با پالیزدان راضی شدند که بمانند. میثم امیری ، هوری و کاظم حیات منش رسما فسخ قراردادهایشان را امضا کردند و رفتند. مهدی شکوهی، ابوالفتحی، امید ابوالحسنی و مهدی چمن آرا هم بعد از بازی یکشنبه می روند. آنها فسخ قرارداد خود را گرفته اند اما تا روز بازی با شهرداری قرار شد آن را به هیئت فوتبال نبرند تا تیم در این بازی با کمبود بازیکن مواجه نشود. محمد و اکبر ویزواری زمزمه هایی برای جدایی دارند که تکلیف آنها تا یکشنبه مشخص می شوند و آنچه تاکنون قطعی است همان هفت نفر را باید رفتنی دانست. اینگونه حدود یک میلیارد تومان از قراردادها کم شد. بقیه بازیکنان هم بین ۲۰ تا ۴۰درصد از قرارداد خود را تخفیف دادند و چک های شخصی پالیزدان را تحویل گرفتند.

فعلا آرامش به اردوی شاهین برگشته و امیدواریم همین آرامش همچنان حفظ شود.تنها نکته نگران کننده رسیدن به اول دی ماه و بحث مطالبات معوقه (حدود ۴میلیارد تومان) است که باشگاه قول داده بود تا آن تاریخ آنها را بپردازد و گرنه کمیته انضباطی جریمه سختی برای شاهین در نظر خواهد گرفت. PTFBU.IR

کنار کشیدن افراشته و خداحافظی دلفانی از شاهین



داریوش دلفانی از کنار رفتن افراشته و استعفای خودش از باشگاه شاهین خبر داد. او در گفت و گو با برنامه تلویزیونی «نشان» گفت: احساس می کنم یک عده دوست ندارند من در شاهین باشم. شرمنده مردم بوشهر شدم. الان هم اعلام می کنم که استعفا داده ام.

او ادامه داد: الان آقای پالیزدان آمده و مربی جوان و بادانشی است هر چند من در گذشته انتقاداتی به سرمربیگری او داشتم اما حالا همه از یک خانواده هستیم و افراد می روند و می آیند و مهم شاهین است. باید از او حمایت کرد. آقای دوانی مرا راننده باشگاه ذوب آهن دانسته سوابق مدیریتی هم معلوم است و با یک بررسی در اینترنت قابل مشاهده است. من پدرم راننده بازنشسته است و افتخار می کنم که بچه راننده هستم. مدرکم فوق دیپلم است نمی دانم مدرک آقای دوانی چیست. در حکم کمیته انضباطی آمده که به استناد گزارش هیئت فوتبال و داور ما را را محروم و بازنده کرده اند. او قبلا هم ما را دلال خطاب کرده بود. من نه در ابتدای فصل بودم و نه حالا که هستم بازیکن آورده ام. مدیر عامل سابق شاهین تصریح کرد: افراشته از مدیران دلسوز است که همه تلاشش را برای موفقیت شاهین به کار بست و او و مهندس محمدپور هم کنار رفتند. من با افراشته آمده بودم و با ایشان هم می روم و از همه خداحافظی می کنم و از آقای جمشیدی و همه دوستان ممنونم که ما را تنها نگذاشتند. سهل انگاری هیئت فوتبال باعث شده تا نتوانیم از ده تا جوان بومی استان به دلیل مشکلاتی که در لیست تیم امیدها بوده استفاده کنیم و من حتما این موضوع را پیگیری می کنم.

دوانی رییس هیئت فوتبال بوشهر:

راننده ذوب آهن را مدیرعامل شاهین کردند!



اظهارات داریوش دلفانی در برنامه رادیویی پسین ورزش با واکنش رییس هیئت فوتبال استان مواجه شد. محمد دوانی در همین برنامه گفت: متاسفانه ما بدون این که بدانیم یک فرد هویتش چیست و چه سابقه ای دارد و بدون شناخت قبلی به او پست می دهیم. این اشتباهات در دو سال اخیر به دفعات در شاهین تکرار شده در حالی که به نظر من به جای چنین افرادی باید کار را دست آنهایی سپرد که با اقلیم و شرایط آن منطقه آشنا باشند.

او ادامه داد: دلفانی را همه شناخته اند. او تصور می کند با هارت و پورت و منم منم می تواند کار کند. روز اول می گفت من با استاندار هستم و حمایت او را دارم. روزی دیگر می گفت مرتب با دفتر امام جمعه در ارتباطم و خودش را یک همه فن حریف می دانست.

رییس هیئت فوتبال بوشهر افزود: او در مصاحبه دیروزش گفته به خاطر گزارش من بازی سه بر صفر شده. هر بچه کوچکی هم می داند که بازی نیمه تمام که به دلیل جنجال هواداران میزبان نیمه تمام مانده سه بر صفر می شود. بازی را که تکرار نمی کنند. او روز بازی با بافق چند بار وارد تونل شد و حرفهای رکیکی به داور زد. به ناموس داور توهین کرد و شنیع ترین الفاظ را به کار برد. تا جایی که هوری و برخی بازیکنان آمدند از من عذر خواهی کردند و من گفتم به من ربطی ندارد و او به داور توهین کرده است. من حتی مانع از ورود او نشدم و مامورین انتظامی او را راه ندادند.

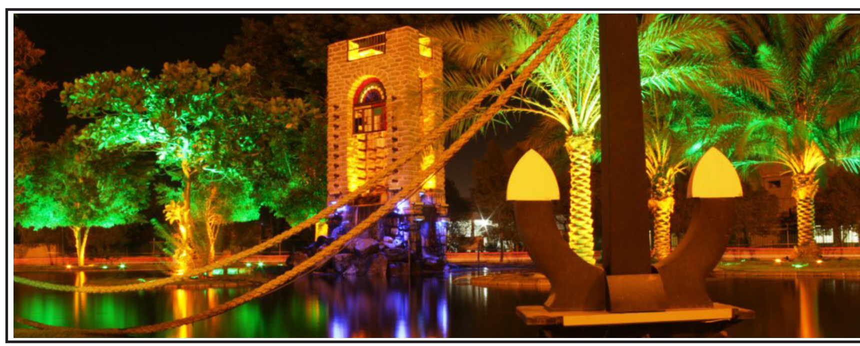
او تصریح کرد: من در بوشهر در زمره مقامات برگزار کننده بازی هستم و وظیفه دارم گزارش بنویسم کما اینکه داور و ناظر هم گزارش نوشته اند. من معتقدم همه آن اتفاقات ناشی از رفتارهای دلفانی بود و گرنه شاهین بارها در این ورزشگاه برده و باخته و مساوی کرده اما چنین مسائلی رخ نداده. نهایتا" هم به دلیل توهین هواداران یا شعارهایشان جریمه نقدی شده است. دلفانی بارها به ایمان دشتی می گفت برو سمت داور چهارم. عامل تشنج خود دلفانی بود. دوانی که معلوم بود دل پری دارد در پایان گفت:دلفانی هر چه گفته شخصیت خود را نشان داده و همه می دانند او چه کاره بوده. متاسفم که راننده باشگاه ذوب آهن می شود مدیر عامل شاهین!

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

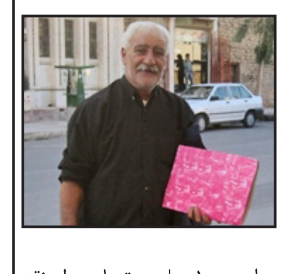
نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
مدیر گرافیک : میثم قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



راننده بوشهری کیف ۱۰ میلیونی را به صاحبش برگرداند



دو هفته پیش بود که محسن دیری‌زاده کارمند اداره کل استاندارد بوشهر کیفی حاوی مدارک و ۲۳۵ میلیون تومان پول را به صاحبش برگرداند و هفته گذشته میز محمد کلانتری که شغلش مسافرکشی در بندر بوشهر است ۱۰ میلیون تومان پول نقد و کیف گمشده را به صاحبش برگرداند.

محمد کلانتری که در یکی از محلات خیابان انقلاب (ششم بهمن) بوشهر زندگی می کند در این ارتباط گفت: وقتی کیفی را پر از مدارک مهم و حیاتی همراه با اشیاء قیمتی و مقداری پول که ارزش تماماً آنها نزدیک به ده میلیون تومان می‌رسید را در حوالی پارک پرندگان پیدا کردم با شماره تلفنی که در این کیف بود با صاحبش تماس گرفتم.

وی اضافه کرد: صاحب کیف درحال رفتن به پلیس آگاهی برای اعلام مفقودی بود که او را از یافتن کیفش مطلع کردم.

این راننده میانسال بوشهری عنوان کرد: با تایید هویت صاحب کیف تمامی مدارک و وجه نقد را به ایشان تحویل دادم. صاحب کیف مفقودی که خواست نامش فاش نشود هم گفت: وقتی جلوی بیمارستان فاطمه زهرا (س) بوشهر برای مداوای پدر بیمارم، خودرو پرایدم را عجولانه پارک کردم متوجه پایین بودن شیشه عقب ماشین نشدم که همین وضعیت سبب سرقت از خودرویم شد.

وی اضافه کرد: فقط خواست خداوند بوده است که سارق محتویات کیفم را ندیده است و در صحت و سلامت کامل تمامی محتویاتش از طرف یک راننده جوانمرد به دستم رسیده است./ منبع: فارس

به دیدن موزه مردم شناسی بوشهر برویم

این عمارت، واقع در بخش مرکزی شهرستان بوشهر یکی از آثارهای تاریخی و از نقاط دیدنی استان بوشهر در جنوب ایران است. در سال ۱۳۷۶ عمارت امیریه به موزه مردم شناسی بوشهر تبدیل شد. عمارت امیریه در سال ۱۳۱۷ ه. ق. به همت احمد خان دریابیگی حکمران کل بنادر و جزایر خلیج فارس احداث گردید. این عمارت، دارالحکومه بوشهر بوده که بعد از تخریب بنای «چهاربرج» که امروزه اداره گمرک بوشهر در آنجا مستقر است، زمین آن از تاجر بوشهری به نام جمشیدیان خریداری شده و تا سال ۱۳۱۹ ه. ق. تکمیل گردیده است.

سدیدالسلطنه کبابی درباره موقعیت جغرافیایی این عمارت می‌نویسد: «مغرب آن محله‌ای نیست و دریاست و مشرق آن محله عرب‌ها و شمال محله یهودی‌ها و جنوب محله کوتی است» در مورد ساختار و هنر به کار رفته در این عمارت آمده‌است: «عمده مصالح تشکیل دهنده این بنا سنگ‌های مرجانی، گچ و چوب ساج می باشد که به منظور جلوگیری از نفوذ رطوبت به دلیل نزدیکی به دریا و موریانه نخست اطراف ستونها را با بند کمال (کنبال) که از الیاف درخت نارگیل درست می شود می پیچانده اند و سپس روی پوست مزبور با گچ تزئین داده اند.» برخی به اشتباه ساخت عمارت امیریه را به سید حسین بلدیه نسبت می‌دهند در حالیکه سید حسین بلدیه در زمان رضاشاه شهردار بوشهر بوده است و ساختمان عمارت امیریه در سال ۱۳۱۹ ق یعنی ۲۵ سال قبل از پادشاهی رضاشاه به پایان رسیده است. در این مورد آمده است: «عمارت امیریه در اوایل حکومت رضا شاه به عنوان ساختمان بلدیه (شهرداری) منظور گردید، و شهردار وقت بوشهر سید حسین سعادت که به سید حسین بلدیه مشهور شده، در آن انجام وظیفه می کرد.»

این بنا از دو طبقه تشکیل شده است. در جلو ساختمان ایوانی بزرگ وجود دارد که دارای دو درگاه ورودی است و در طبقه بالا بالکنی با جنس چوب است. وسط دو درگاه ورودی از داخلِ ساختمان اتاق بزرگ در دو طبقه درست شده‌است که احتمالا برای پذیرایی و یا کنفرانس بوده و دارای چشم اندازی زیبا به بیرون و منظره دریا می‌باشد. ساختمان دارای حیاط مرکزی و تمامی اتاق‌ها دورتا دور واقع شده‌اند که در هر طبقه ده اتاق وجود دارد. در گوشه خاوری راه پله‌ای برای رفتن به پشت بام ساخته شده‌است. جنس درها و پنجره‌ها از چوب ساج بوده و حفاظ آن‌ها در جلو می‌باشد. درها دو لنگه و دارای نقش و نگار هستند. ورودی عمارت دارای چشم اندازی بسیار زیباست و پوشش سقف از چوب صندل یا چندل است (نوعی چوب مخصوص که از هندوستان و مومباسا می‌آورده‌اند). ستون‌ها جلو ساختمان نیز از جنس چوب ساج است. در جهت جلوگیری از نفوذ رطوبت (به دلیل نزدیکی به دریا) و موریانه نخست اطراف ستون‌ها را با بند کنبال یا «کومبار» که از پوست درخت نارگیل درست می‌شود پیچانده و سپس روی آن را با گچ تزیین کرده‌اند. چوب‌های کنده کاری به کار رفته در طارمه و نقوش در و پنجره‌ها، گچبری سردرها، کنده کاری و گوه‌های برنجی به کار رفته در درگاه ورودی از عوامل تزیینی بنا هستند. این بنا هم اکنون موزه مردم شناسی است. ساختمان توسط شهرداری بوشهر در سال ۱۳۷۸ مرمت و تعمیر شده‌است.



کوچه های جادوئی

کریم جمهیری : کوچه های شهر بوشهر بسیار باریک و تنگ در نظر گرفته می شدند به گونه ای که گاهی اوقات امکان عبور بیش از دو نفر در کنار هم در داخل کوچه وجود نداشت. رنگ بیرونی ساختمانها در بافتهای قدیمی شهر سفید است تا گرمای کمتری را جذب کند. از دیگر سو ساختمانها در طبقات بالایی به داخل کوچه پیشروی داشته و به هم نزدیک می شدند، و در حقیقت با وجود مشکلات فراوان در طبقه دوم به صورت کنسول درمی آمد. این نکات باعث ممانعت از تابش مستقیم آفتاب به دیوارهای جانبی ساختمانها و ایجاد جریانهای کوران هوا در داخل کوچه ها به علت اختلاف دمای داخل کوچه با فضای بالای آن می گردید که هوای مطبوعی را برای ساکنان محل به ارمغان می آورد. شکل بنای ساختمانها هم به گونه ای بود که هر خانه به غیر از یک در ورودی هیچ گونه منفذ و یا پنجره ای در طبقه اول به داخل کوچه نداشت که این خود باعث افزایش ایمنی در مقابل دزدان و مهاجمان احتمالی می گردید.

متاسفانه در بوشهر همه چیز در حال خراب شدن و از بین رفتن است.



بستری که بافت قدیم بوشهر بر آن سر برآورد



بمانجان ندومی: بستری که بافت قدیم بوشهر بر آن سربرآورد به لحاظ پستی و بلندی یکسان نیست. قسمت شرقی این بندر از قسمت غربی بلندتر است. در ساخت خانه‌ها به این نکته توجه وافرشده چراکه علی رغم این پستی و بلندی، پشت بامها عموما در یک سطح قرار دارند. این اتفاق باعث شده که ساختمان‌ها به شکل پلکانی و براساس شکل واقعی زمین ساخته نشود و اهمیت این موضوع در آن است که اگر این اتفاق رخ می‌داد گرمای زیادی جذب بافت می‌شد و سایه اندازی روی ساختمان‌ها کمتر رخ می‌داد.



پیرمرد سرانجام در خاک آرام گرفت... احسان نراقی در حلقه دوستان روزهای جوانی بدرقه شد و به اجبار تن به آرامش سپرد... جنازه اش اما اجازه دفن در قطعه نام آوران نیافت...

به زلف عقرب به رخ چون ماهی ای دوست
اگر کوته قدی دلخواهی ای دوست
مشو غمگین از این پستی قامت
تو چون عمر منی کوتاهی ای دوست
احمد خان دشتی

علم کوتی بر خاک بوشهر



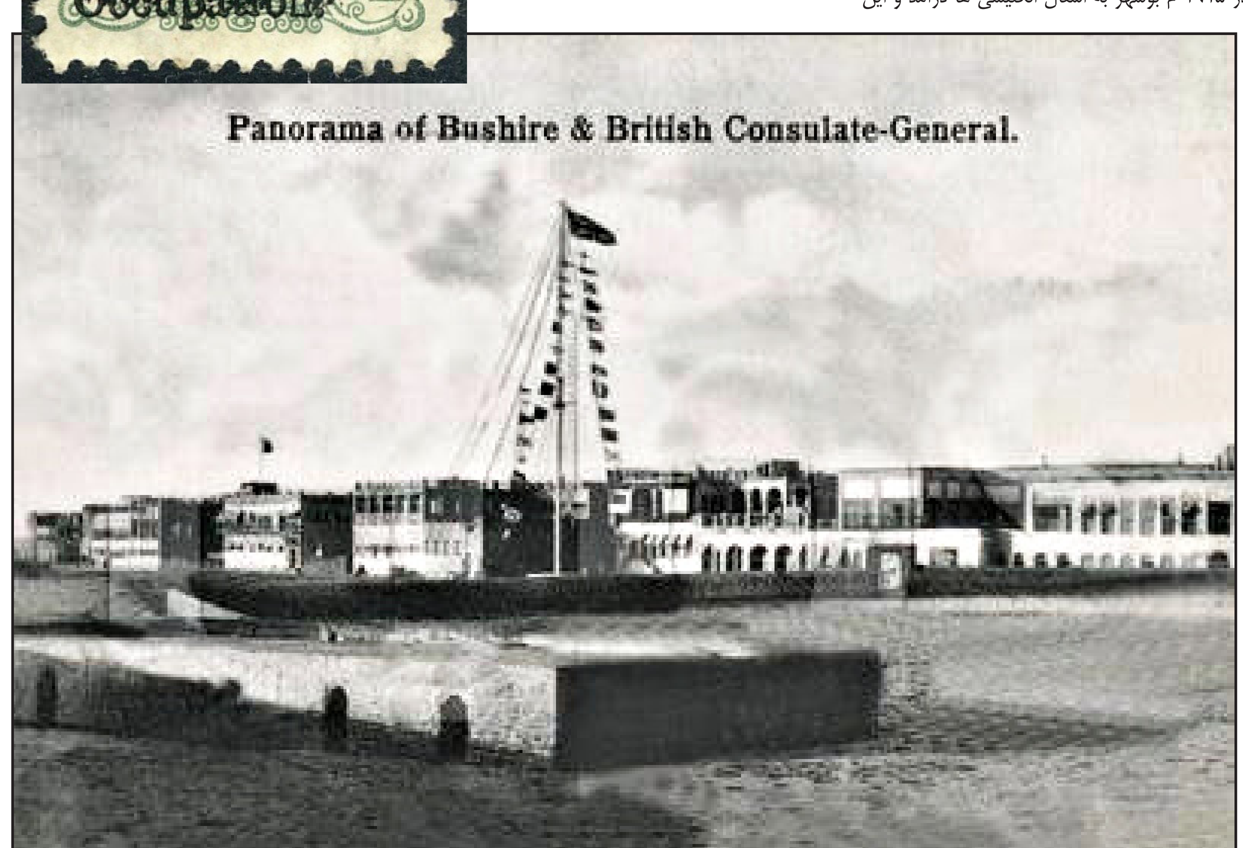
دکتر سید جعفر حمیدی

در ۱۱۷۶/۱۷۶۳ ق طبق قرارداد شیخ سعدان، ویلیام پرایس، مقرر شد تجارت خانه ای به دست انگلیسی ها در بوشهر تاسیس شود و انحصار تجارت بندر در اختیار آن ها باشد. دولت ایران (حکومت زند) اجازه داد که کمپانی در بوشهر و بیرون بوشهر بنا نماید. عمارت کمپانی که بعدها به عمارت کوتی شهرت گرفت، در ۱۷۴۴م / ۱۱۷۷ ق ساخته شد و کمپانی در آن قرار گرفت. بعدها این ساختمان به کنسولگری (قونسول خونه) یا بالیوزگری انگلیس یا نایب کنسولگری تبدیل شد.

در ۱۹۱۵ م بوشهر به اشغال انگلیسی ها درآمد و این اشغال به مدت سه ماه ادامه داشت. انگلیسی ها بر روی تمبرهای پستی ایران مهری به عنوان «بوشهر در اشغال دولت بریتانیا» می زدند و روی تمبرهای دیگر پستی مهر «در برازجان تفتیش شد» می زدند. امروز این تمبرها که چند قطعه آن بیش تر در دنیا موجود نیست، از گران ترین تمبرهای جهان است.

انگلیسی ها بوشهر را قطعه ای از کشور خود می دانستند و مثل شهرهای خود یورکشایر، هماشیر، بوشهر را هم بوشایر(bushire) می گفتند و پرچم خود را به نام «علم کوتی» بر روی خاک بوشهر نصب کرده بودند.





نارنج پامنقلی شیرین داروی سرماخوردگی و گلو درد

نارنج در فرهنگ دارویی استان بوشهر جایگاه خاصی دارد؛ قدیمی های بوشهر (مادربزرگ ها) در گذشته وقتی کنار منقل یا بخاری می نشستند؛ چند نارنج را نصف کرده و کنار آتش می گذاشتند؛ تا کم کم گرم شده و آب آن آرام آرام بجوشد. با این کار هم هوای اتاق استریل و خوشبو می شد و هم بیمار با خوردن نارنج گرم همراه با یک قاشق چایخوری شکر که روی آن ریخته می شد ؛ پادزهر و داروی سرماخوردگی را وارد بدن می کرد و به سلامتی خوب می شد.

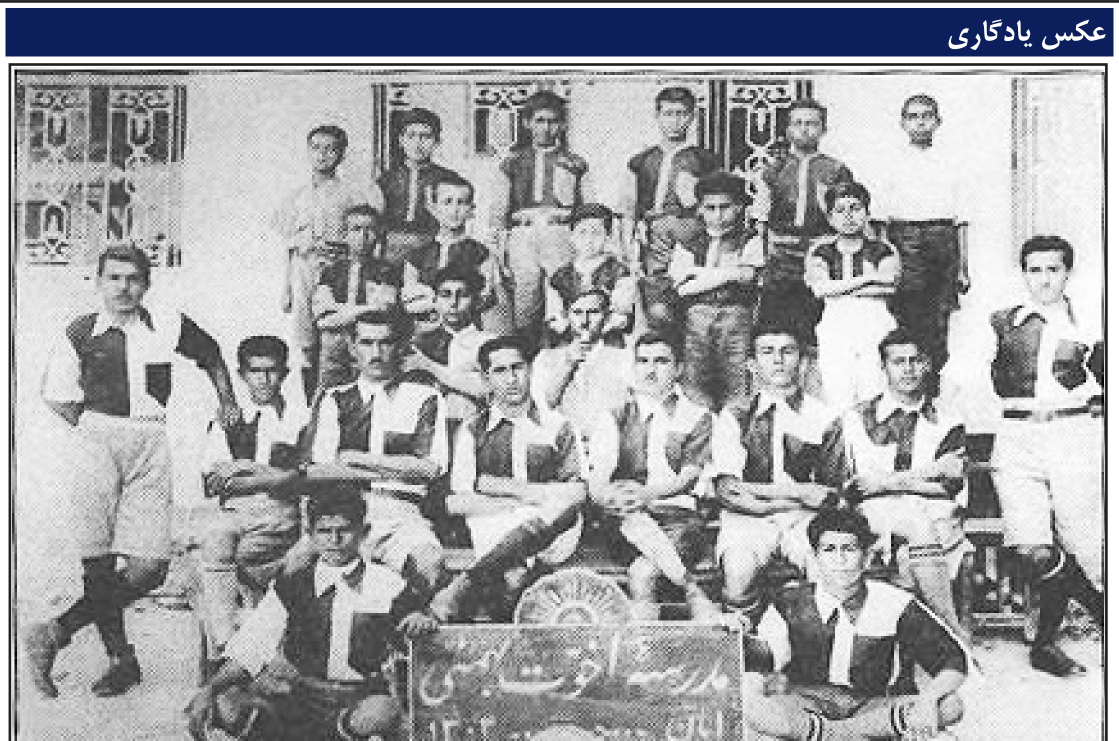


اخلاق خود را رامِ خوبی ها کنید و به بزرگواری هایشان بکشانید و خود را به بردباری عادت دهید. علی (ع)

یک نکته تربیتی

کیانوش ملاکی: یک پدر و مادر آن زمانی میتوانند کار تربیتی را به درستی انجام بدهند که اقلا روزی یکبار به کودکشان این پیام را بدهند که من نمیدانم، یا اشتباه کردم و هفته ای یکب –ار از او بخاطر کار اشتباهشان معذرت بخواهند تا اینکه کودک به این نتیجه برسد که پدر و مادر هم مثل من انسانند و اشتباهکار. نه اینکه فکر کنند که خودشان تنها گناهکار و نادان و اشتباهکار جهان هستند، پس پسر یا دختر بدی هستند.

عکس یادگاری



باشگاه نادری ، یادگار ورزشکاران قدیمی بوشهر

مجید اصلانی: به روایتی باشگاه نادری توسط شخصی به نام نادری که از هندوستان به بوشهر آمده بود با بازیکنانی که اغلب متعلق به مدرسه سالاریه بودند تاسیس گردیده است. این مدرسه در سال ۱۳۰۱ به پورسینا تغییر نام می دهد . با مهاجرت آقای نادری به خوزستان این باشگاه با مدیریت میرزا حسین بوستانی و همکاری مرحوم سید حسین بهزادی و سید علی مهیمنیان دوباره در فوتبال و رشته هایی مثل هاکی، والیبال، تنیس و ... با قدرت ادامه به کار می دهد. قطعه زمینی که در جوار مقبره شیخ حسین چاهکوتاهی و مدرسه سالاریه آن زمان قرار داشت توسط یکی از معتمدین محل به نام حاج سید محمد حسین به این باشگاه اهدا گردیده است. اما گروهی معتقد هستند که در اوایل سال های ۱۹۰۸ میلادی یعنی ورود فوتبال به بوشهر با توجه به رونق فوتبال در منطقه امام زاده، علاقه مندان محلی به پاس خدمات نادرشاه افشار در تسلط کامل بر آب های خلیج فارس و قرار گرفتن بوشهر از نظر سوق الجیشی به عنوان یک مرکز مهم نظامی و ناوگان قدرتمند دریایی، این باشگاه را نادریه نام گذاری می نمایند که در سال های ۱۳۰۰ یا ۱۳۰۵ به دسته ورزشی نادری مشهور می گردد .

از قدیمی ترین و شناخته شده ترین بازیکنان آن زمان باشگاه نادری بوشهر که مدارکی از آن ها باقی مانده است می توان از مرحوم محمد مثلش، مرحوم احمد عوضیان، مرحومان محمد علی آرام، غلام رضا نیک فرجام، سید حسین بهزادی، سید علی و سید موسی مهیمنیان، سید محمد مهیمنی، برادران دلاور و میرزا امین بوستانی نام برد. که بارها برای باشگاه نادری در بندر بوشهر قهرمانی به دست آورده اند.

تصویر فوق جمعی از دانش آموزان فوتبالیست مدرسه پورسینا و اخوت که پس از تاسیس باشگاه نادری به تیم فوتبال این باشگاه پیوستند.

اعضای تیم فوتبال نادری امام زاده در سال ۱۳۱۴ :

سید محمد مهیمنی ، سید آقا علی مهیمنیان، عبدالحمید دلاور، غلام علی دلاور، میرزا امین بوستانی، حسین بهزادی، محمد علی آرام، ماندنی فلاح، ، سلمان فرزانه، عبدالحسن امامزاده ای، موسی مهیمنی، محمدرضا مهیمنی، موسی مهیمنیان، رسول فرهی، جلال شمس، عباسعلی راستیان.

متاسفانه کلیه نامبردگان در قید حیات نیستند . روان شان شاد .